



این روزنامه هر ماه یک بار در ۱۶ صفحه نشر میشود

عنوان مراسلات

Rédaction «Kaveh»
Berlin - Charlottenbourg
Leibnizstr. 64

کاوه

۱۳۲۴

قیمت اشتراک

در آلمان ... | ۱۰۰ مارک | ۶۰ مارک
در ایران و سائر ممالک } یک لیره انگلیسی | ۱۲ شیلینگ

قیمت هر شماره برای تک فروشی در ایران پنج قران است

۲۸ دی ماه قدیم ۱۲۹۰ زردگردی = غره شوال سنه ۱۳۳۹ = ۸ ژوئن فرنگی ۱۹۲۱ میلادی • Neue Folge • Nr. 6 • Jahrg. 2

روزنامه کاوه که بنام کاوه آهنگر داستانی منسوب است و دوره جدید آن از غره جمادی الاولی سنه ۱۳۳۸ در برلین پایتخت مملکت آلمان بزبان فارسی فصیح و ادبی چاپ میشود دارای مقالات علمی و ادبی عالمانه‌ایست که در نتیجه تتبعات وزحمات طولانی نوشته میشود. این روزنامه نتیجه سعی عده‌ای از اشخاص مشغول بعلم وادب بوده و بکمک قلمی اساتید بزرگ از علمای معروف فرنگستان مفتخر و مقالات فاضلانه آنها زیب صفحات این روزنامه است. روزنامه کاوه با کمال پاکیزگی در کاغذ اعلا در مطبعه خیلی نفیس بطبع میرسد وخط روشن و خوبی طبع و صحت دقیق آن که بقدر مقدور بی غلط چاپ میشود انسان را بهوس خواندن آن می‌آورد. در غره هر ماه یک شماره از آن دارای ۱۶ صفحه بزرگ و قریب ۱۲۰۰ بیت مطلب نشر میشود که مشتمل است بر ابواب مختلفه از مطالب مهمه و از آن جمله مخصوصاً مقالات تاریخی راجع بایران قدیم و مشاهیر شعرای ایران و مشاهیر قرن اخیر و تنقیدات ادبی و ملاحظات عمومی و مقالات علمی و سیاسی و غیره. با شماره ۴ و ۸ و ۱۲ کاوه یک جزوه بزرگ بقطع و حجم خود روزنامه مشتمل بر ۱۶ صحیفه از اجزای کتابی موسوم به «تاریخ روابط روس و ایران» بطور ضمیمه و بلاعوض بمشترکین فرستاده میشود که بعدها مجموع این جزوه‌ها یک کتاب مستقل مبسوط و مفیدی میشود.

برای ترتیبات اشتراک و اسمی و کلاهی روزنامه و غیره رجوع کنید پشت صفحات جلد روزنامه

برای مکاتبه با اداره کاوه میتواند خط فرنگی باین این صفحرا بریده روی پاکت چسبانیده و بیست بنماید

Rédaction du journal Persan «Kaveh»
(Allemagne) **Berlin-Charlottenbourg**
Leibnizstr. 64.

اسامی وکلای کاوه

در ایران و سایر ممالک

هندوستان: جناب آقا محمد تقی افشار مقیم بمبئی

مصر: تجارتخانه میرزا مهدی بیک محمد رفیع مشکی مقیم القاهره

طهران: جناب آقا سید عبد الرحیم خلخالی - خیابان ناصری
جناب آقا سید عبد الرحیم کاشانی - خیابان ناصری نمبر ۱۰۱

تبریز: جناب حاجی اسمعیل آقا امیر خیزی

سیستان: جناب آقای میرزا عباسعلی خان قاجار معاون مالیه وخالصجات سیستان

مشهد: کتا بخانه نصرت

اصفهان: دواخانه آقا میرزا غلامرضا، درب باغ قلندرها

بندربوشهر: جناب آقا میرزا احمد کازرونی

کرمانشاه: تجارتخانه جناب آقای میر صدر میر عبد الباقی

کرمان: تجارتخانه شهریار خدا بخش سروشیان و پسران.

یزد: جناب آقای ارباب مهربان جمشید جوانمرد خرمشاهی پارسائی

کاشان: تجارتخانه آقا سید محمد لاجوردی کاشانی و پسران.

ملایر: جناب آقای میر حسین خان حجازی.

طالبین اشتراک روزنامه باید وجه اشتراک را قبلاً با آقایان و تجارتخانههای مذکور پرداخته و قبض رسید گرفته آن قبض را با اسم و عنوان خود مستقیماً بداره کاوه بفرستند تا روزنامه منظمأ و مستقیماً بایشان ارسال شود.

ترتیبات اشتراک

بعموم مشترکین وبالخصوص وکلای محترم روزنامه

روزنامه کاوه فقط و فقط باشخصی فرستاده میشود که قبول اشتراک کرده و قبلاً وجه اشتراک سالیانه را که در ایران یک لیبره انگلیسی است بیکی از وکلای کاوه که اسامی آنها در ستون مقابل درج است پرداخته و قبض (چه قبض چاپی اداره و چه غیر آن) بامضای وکیل مزبور گرفته و آن قبض را بداره کاوه رسانیده باشند که در آن صورت مستقیماً توسط پست و مرتباً روزنامه باسم خود اشخاص مزبور ارسال میشود. علاوه بر این باید هم مشترکین وهم وکلای محترم روزنامه کاوه شرایط ذیل را منظور بدارند:

۱ - اسم و عنوان محل اقامت مشترک باید در همان قبض با کمال صراحت نوشته شود که خوانا باشد.

۲ - اشتراک سالیانه فقط از اول هر سال تا آخر آن (یعنی سال روزنامه) تواند شد نه از هر شماره روزنامه تا همان شماره از سال آینده. همچنین اشتراک ششماهه فقط از شماره اول هر سال تا شماره ۶ و یا از شماره ۷ تا ۱۲ تواند شد نه هر شش شماره لا علی التعمین.

۳ - در ولایاتی که ما وکیل نداریم مشترکین میتوانند وجوه اشتراک را یا بتزدیکتین نقطه ای که در آنجا وکیل کاوه است بفرستند و یا چند نفر با هم وجوه اشتراک را رویهم گذاشته بتوسط بانک یک برات گرفته و بفرستند.

۴ - ما با غیر از وکلای روزنامه با احدی نمیخواهیم حساب باز کنیم و مطالبات و بدهی داشته باشیم باین معنی که هر کس از هر جا مستقیماً بدون واسطه و کلا هر چه بخواهد از روزنامه و کتاب باید وجه آنرا پیشکی و نقد بفرستد تا هر چه خواسته فرستاده شود. وکلای روزنامه نیز در باره سفارشهای خود از فرستادن روزنامه و کتاب چه برای خود و چه برای دیگران شخصاً مسئول و حه آن سفارشها هستند و در حساب ایشان محسوب میشود خواه اشخاصی که کتاب و روزنامه گرفته اند و چه را پرداخته باشند یا نه.

اخطار

بواسطه ترقی فاحش مظنه لیبره انگلیسی نسبت بپول ایران و در واقع تنزل زیاد پول ایران اداره کاوه خود را مجبور دید که از غره رمضان امسال میزان معاملات خود را در ایران چه از بابت وجوه اشتراک روزنامه و چه برای فروش کتب «سلسله انتشارات کاوه» و چه برای قیمت دوره قدیم کاوه یا سال اول (دوره جدید) با لیبره انگلیسی که فعلاً واسطه معاملات با خارجه است قرار بدهد چه سه تومان و نیم وجه اشتراک کاوه که یکسال قبل قریب دولیره انگلیسی و معادل اقلأ پانصد مارک آلمانی میشد حالا بواسطه تنزل پول ایران نسبت بلیره از یکطرف و ترقی پول آلمانی باز نسبت بلیره از طرف دیگر تقریباً صد و پنجاه مارک میشود که در واقع کمتر از پنجیزی است که بخود اداره تمام میشود. مخارج طبع و کاغذ و پست از وقتیکه دوره جدید کاوه شروع شده یعنی در ۱۶ ماه گذشته در آلمان قریب هشت برابر ترقی کرده. لهذا بعد از این وکلای کاوه برای مشترکین جدید که بعد از وصول این روزنامه پول میدهند باید برای وجه اشتراک سالیانه معادل یک لیبره انگلیسی بمظنه روز پول ایران بگیرند ولی در قبض که میدهند تنها یک لیبره بلکه مبلغ پول ایوانی را هم که دریافت داشته اند قید فرمایند و هم چنین برای کتب و دوره قدیم.

این روزنامه هر ماه یک بار
در ۱۶ صفحه در برلین
نشر میشود.

عنوان مراسلات:

Rédaction « Kaveh »
Berlin-Charlottenbourg
Leibnizstr. 64

آدرس تلگرافی:

Rouznakaveh Berlin

کافی است



قیمت اشتراک

سالیانه
ششماهه
در آلمان... | ۱۰۰ مارک | ۶۰ مارک
در ایران و سایر ممالک | یک لیره انگلیسی | ۱۲ شیلینگ

قیمت هر شماره برای تک فروشی
در ایران پنج قران است

۸ ژوئن ماه فرنگی
۱۹۲۱ میلادی

Nr. 6 Jahrg. 2
Neue Folge

کافه
۱۳۲۱

۲۸ دی ماه قدیم
۱۲۹۰ یزدگردی -
غزّه شوال
سنه ۱۳۳۹

خیالات

در شماره ۶ از سال گذشته ما شرحی نوشتیم در اشاره بر اینکه
بعضی علل و اسبابی در ترقی و تمدن ملل هست که غالباً نه تنها
از نظر عامه و بلکه از نظر خواص و پیشروان مشغول سیاست
هم دور و مستور مانده و بدانها التفات نمیشود در صورتیکه اهمیت آن
مسائل در ترقی مادی و معنوی ملل خیلی بیش از علل معروف و واضحی
است که همه کس بدانها ملتفت است و بهمین جهت ما این اسباب غیر
معلومه یا غیر مشهوره را علل خفیه و اسباب مشهوره را علل جلیه نامیدیم.
در اینجا مقصود اشاره بیکی از آن علل خفیه ترقی و اسرار مهمه تمدن
است. این سر بزرگ و عمیق که از مهمترین اسرار تمدن و علل ترقی
و نجات و استقلال ملی است ورزش مبنی و انواع بازیهای مربوط بدان
است. بعقیده آنانکه در فلسفه ترقی ملل و اسرار آن غور کامل کرده اند
این ققره از اولین اسباب قوت ملی و ترقی و استقلال و تمدن و بقای
ملت و مخصوصاً عفت اخلاقی و جدیت بوده و منشأ اخلاق فاضله فردی
و اجتماعی میباشد، توپ بازی با دست و مخصوصاً بابا و اسب سواری و قایق
رانی و شکار دریا و کوه و شمشیر بازی و گوی و چوکان بازی و سُرُسره
بازی معمولی و یا سُر خوردن از تپه بیابان در روی برف و صدها انواع
دیگر بازیها اهمیت عظیم در زندگانی فرنگستان و رابطه تام با روح ترقی آن
ملل دارد. بیجانست که خیلی از حکما گفته اند سر عظمت و قوت و قدرت
و ترقی و صفات ملی انگلیسی در «فوت بال» یعنی توپ بازی بابا است و بلا
شک اینفقره و سایر بازیها تأثیر مهم و درجه اول در زندگی و ترقی و اخلاق
و تمدن آن ملت دارد. بدون ورزشهای بدنی زیاد محال است یک ملی
بپایه ملل متمدن رسیده و با آنها همدوش بتواند بشود. سر اهمیت این
مسئله که شاید بعد از تعلیم عمومی مهم ترین تمام امور برای ترقی ملت است
و درجه اول دارد در آنست که اولاً مقاومت یک ملت در زندگی خود
در عالم با تمام مشکلات طبیعت و حیات اجتماعی و مبارزه او با خطرهای
عمومی و طبیعی و اخلاقی و بین المللی و همچنین با امراض جسمانی و آفات
روحانی و جنگها و غیره بسته بقوت بدن و قوت اعصاب و سر سختی

و سخت عصری افراد آن ملت است که آنان که محکمتراند و سخت جان از
مبارزه بیرون درمیآیند و زیر چرخ حوادث «له» نمیشوند و آنانکه
سست بنیه و علیل و ضعیف الأعصاب و عاجزند زود میافتند و با یک
تغییر هوا مریض میشوند و در مقابل یک اتفاق مشکل یا آفت سخت
بیچاره گردند و در گل میمانند و ثانیاً آنچه از این نکته هم مهمتر است آنستکه
بثبوت قطعی رسیده که میان سختی بدن بواسطه ورزش زیاد بدنی و اخلاق
یعنی درستی و شهامت و مردانگی و راستگویی و عصمت و پاکدلی و آزادگی
و جوانمردی یک مناسبت مستقیم و شدیدتی هست و رواج ورزشها در ملتی
نسل آن قوم را طوری بار میآورد که سخت عنصر و سخت اعصاب
و دارای اخلاق متین و محکم و «رُک» گو و عاری از اسباب چینی و
دسیسه کاری و دروغگویی و دزدی و خدعه و مکر (که از آثار سست
عصری است) میشوند و بقول فرنگیها واقعاً یک «جتلمن» حسابی
میشوند که شرف خود را محکم نگاه میدارند و بقول خودمان مرد و با
استخوان و بارگ بار میآیند. اطفال و جوانانی که بدین اخلاق بار بیابند
بپایه اساسی و ستون استخوان فقرات ملت میشوند، دروغ نمیگویند. و سوسه
و دسیسه و کار «زیر جلی» نمیکند، قول و وعده خود را محکم نگاه میدارند،
تعارف و تملق بیجا نمیگویند، «وِراجی» زیاد نمیکند، اخلاق سخت و متین
و پاک دارند (که مملکت بدبخت ما از همه بیشتر بدان محتاج است)، و افور
نمیکند، آلکلی نمیشوند، بانواع حیلها و دسائس همدیگر را گول نمیزنند،
ابن الوقت نمیشوند، در عقیده و حرفشان ثابت بوده و صاف و فاش
میگویند و نیت سندن و بوزیدن باد از هر طرفی عقایدشان پشت و رو
نمیشود، صاحب ایمان (۱) مستقیم و عقیده محکم در معنویات میشوند. غنان
خود را بدست هوا و هوس نداده باعجز و ضعف تسلیم آفات اجتماعی
نمیکردند، باساک نفس از افراط در شهوات قادر میشوند و اصلاً کمتر
شهوای هستند و عموماً کمتر هم میخورند. علاوه بر اینها اینگونه اشخاص کار
خیلی زیاد میکنند و در صورتیکه یک شخص غیر معتقد ورزش (مثلاً یکی از
اجزای ادارات دولتی ایران) که از جای خود نمی جنبد و شب عرق میخورد
و افور نمیکشد و تا ساعت هشت از شب رفته بیدار بوده و خود را

(۱) idéal ما در اینجا لفظ «ایدل» فرنگی را بکلمه «ایمان» تفسیر کردیم.

و آقaban شهریه خوار طهران پیدا نخواهد شد که جرئت کرده و سوار هوا نورد (۱) بشود.

یونانیها در صد سال پیش هنوز زیر تسلط عثمانی بودند ولی از چندین قرن باین طرف بطوری در صنعت و تجارت و مخصوصاً کشتی رانی پیش آمده بودند که تجارت تمام عثمانی را در دست گرفته و کشتیهای تجارتی بنادر عثمانی را تقریباً بتحت انحصار اداره خود آورده بودند و همین فقره با تمدن عالی آنها نسبت بترکها مؤید عمده نجات آنها شد.

در اروپا ملل بزرگ بواسطه ورزش زیاد با هم مسابقه میکنند و اینک بعد از جنگ و شکست هولناک که نصیب آلمان شد در مملکت آلمان بقدری بانواع ورزشهای بدنی اهتمام کرده و تمام ملت چنان اقبال عظیم و خارق العاده باین مسئله نموده که جرأید دول ائتلاف مقالات زیاد در باره خیالات باطنی آلمانها و بلند شدن سریع آلمان از این راه مینویسند و فریاد میزنند که ملت آنها نیز در این راه عقب نمانده و خود کشتی کنند. در هر شهر و قصبه و ده آلمانی صدها و بلکه هزارها دستههای ورزشهای بدنی مختلف بانواع غریب تشکیل شده و مانند مورچگان در کارند. در خیلی جاها در تحت اداره معلمین مدارس دستههای زیادی از جوانان بنام «صحرا گردی»، حوزهها ترتیب دادهاند و با سینهها و ساقها و بازوهای باز و با تمام لوازم زندگی و خوراک که در خرجینی بر کول خود بستهاند و با چادرهای متحرک سبک که حمل میکنند مرد و زن پیاده در صحراها و کوهها در هوای باز حرکت میکنند و در صحرا میخورند و میخوانند و از ابر و باد و باران و آفتاب پرهیز نمیکند و بدین طریق بدن جوانان را سخت و آهنین میسازند. همچنین است بدن پولادی انگلیسی که منشأ همان اراده قوی و محکم و عزم ثابت اوست و بواسطه همان ورزشهای بدنی فوق العاده زیاد است که اینقوم آنطور سرسخت و با مقاومت است و بدبختانه در ممالک خارجی هم که رگ و ریشه میکند با صدها سال کشمکش وزد و خورد برانداخته میشود و باسانی از میدان در نمیروند و بهمین جهت هم جنگ آخری اروپائی را با همه سختیهای آن تا آخر دوام کرد تا حریف را برانداخت. محض توضیح باید گفته شود که مقصود از ورزش تنها آن چیزی نیست که در ایران معمولاً ورزش میخوانند یعنی ورزش زورخانه (زیمناستیک) بلکه بعلاوه و حتی بیشتر مقصود انواع بازیهاست که یفرنگی «اسپورٹ» گویند و اسب سواری و برف بازی و قایق رانی و شناگری نیز از آنجمله است.

با کمال خوشوقتی در جرأید ایران خواننده شد که یک محفل ورزش محفلی در شیراز بنام «محفل ورزش» تأسیس شده. این شیراز فقره در میان انبوه اسباب نویدها یک شراره امید است که از خاک مبارک فارس که همواره آتشکده امید و منشأهضت ایران بود میدرخشد. باین مناسبت باید بگوئیم که از خیلی علامات چنان دیده میشود که اگر انقلابات و تبدیلات بلکی و سیاسی در فارس روی نهد و شاه بازی کنهای طهران و ولایات دور دست را آسوده

تسلیم شهوات کرده و صبح با مشتمال و هزار «هن و هن» با میشود و تا اطاق گرم نرفته و آب گرم برای شستن رو حاضر نگشته از سر کرسی در زمستان بلند نمیشود و ریش خودشرا هم بدلاک میدهد که بتراشند و بعد از کشیدن دو سه سیگار یا یک پُک و افور هم «اهل خانه» عبارا بدوش او میاندازند و قریباً بیک نوکر آقا هم باید دستمال کاغذها و یا (اگر فرنگی مآب باشد) کیف آقارا برداشته آقارا باداره برساند تا دو سه ساعتی بتأتی کار بکنند و دستی بقلم ببرند و متصل هم در وسط کار سیگار و قلیان بکشند و چائی صرف کنند و صحبت بفرمایند (اینهمه در صورتی که آرزوی یکی از هزاران نفر محترمین در ایران و خارج از آن وفات نکرده باشند که ادارات دولتی محض احترام ایشان تعطیل باشد) و پس از صرف ناهار و قیلولة طولانی باز «سلاانه سلاانه» بدولت ارگ تشریف ببرند و مشغول پذیرائی واردین بشوند - بلی در صورتیکه همچو کسی از اجزای ادارات که بدین ترتیب کار میکند و روز بسر میرود روزی چهار ساعت نمیتواند کار بکند یک آدم صحیح البینه و ورزش کرده صبح زود در پنج دقیقه با شده و ریش خودرا فوراً تراشیده و یا شانه کرده سر و صورت و حتی بدن خودرا با آب سرد پاک و تمیز کرده و با پارچه تر و سرد و زیر مالیده لباس پوشیده و بیرون میرود و روزی بدون انقطاع و بطور جدی هشت الی ده ساعت کار میکند که ده برابر کار آقای و افوری است و عصر هم بسواری و گردش و بازی میرود و تمام کارهای خودرا با نظم کامل انجام داده با حالت خوش و پر از امید (نه مایخولیائی) بمنزل میرود و شاید شبرا هم یک کتاب مینویسد یا بترتیب اداره دارائی خود میگردداند و یا بتاشا و گردش و تفریح میرود و ساعت ده و یازده بعد از ظهر هم میخوابد و از همه جهت بیشتر از هفت و هشت ساعت هم نمیخوابد.

این مقایسه میان دو نمونه مختلف از اشخاص برای نشان دادن فرق مبلغ کار و عمل دو نفر آدمی است که یکی صحیح البینه و دیگری علیل و شکسته و سست بود و این فقره تنها در ادارات دولتی مشهود نیست که بدان مثل زدیم بلکه در همه امور و رشتههای زندگی عیناً همین طور است. در رشته تجارت نیز بهمین قرار فرق کار تاجر قوی بنیه و پرکار و تروتوازه با تاجر «پیرزا» و لاشه متحرک و کم حال بیشتر از آنست که در مثال سابق گفته شد. در رشته معلمی فرق کار بدتر از آنست و معلمی که باشوق و نشاط و قد راست و سپای روشن و خندان و عزم و اراده قوی درس میدهد تأثیر نفسش در خلقت طبقه جدید ملت هزار مرتبه بالاتر از آن معلمی است که شکسته و خمیده و کج و کوله دهن دره کنان و باسرفه و عطسه با تعلیم کسالت انگیز خود نفرتی بعلم و کسالتی در نهاد شاگرد میدمد و هکذا پیشههای دیگر. اگر ملت ایران بورزشهای بدنی اهمیت لازم داده و آنرا در میان خود انتشار میدادند پشت کار و قوت مزاج ملت یک برده زیادتیر شده و جرئت کار در میان مردم فزونی میگرفت و حالا در تجارت و اقدامات صنعتی و تجارتی و کشتی رانی پایه عالی داشتند و اقلآ ده هزار نفر کشتی ران و عملة کشتی و هزار نفر هواپیا داشتیم لکن حالا اگر مدرسه هوا پیا در ایران دائر شود و بهر هوا پیا ماهی ده هزار تومان مواجب مقرر شود یکنفر از تریاکیهای مراغه یا بنگهای اصفهان و یا از خوانین فرنگی مآب

(۱) ما همیشه برای کشتی هوائی لفظ «هوا نورد» و برای سواران یا ناخدای آن کلمه «هوا پیا» استعمال میکنیم.

سنگین تر کرده و باعث غلبه یکی از دو مبدأ بزرگ گردد. بدین طریق اراده انسان آزاد بود و معلوم است که این فقره چقدر تأثیر در آزادی خود انسان و قوت اراده و همت اقدامات وی دارد و فرق آن با آئین ابو الحسن اشعری (۱) که عقیده جبر را بدبختانه جزو مذهب رسمی خلفاء کرد تا چه اندازه است و اگر چه در ایران معتزله و شیعه همیشه عقیده قاعلم مختار بودن انسان را دنبال کردند ولی باز بعدها صوفیه و دراویش خیالات مضرة جبری خود را بتدریج در اذهان مردم ایران داخل نموده و ملت را از اقبال و هوس اقدامات دنیوی باز گذاشته و عقیده تسلیم بمقدرات را ترویج کردند بحدی که چنانکه یک عالم مسلمان گفته پیش بعضی از اینگونه مردم فرقی میان حرکت آرواره برای جویدن و حرکت اضطراری آن از تأثیر سرما نبود چه هر دو حرکت را از مشیت الهی میدانستند.

واقعا جای تأسف است که تقریباً اغلب آنچه از محسنات و دستاویزهای بجا در ایران قدیم و میان ایرانیان نیاکان ما بود متروک شده و بسیاری از آنچه نامرغوب بود مانده و مبالغی بر آن زیاد شده. و این علاوه بر افسوس موجب تعجب نیز هست و در واقع نیست مگر از آثار انحطاط. اگر در این باب یگان یگان بجوایم شرح بدهیم موجب تطویل میشود ولی بیکی از این عجایب جهل و غفلت اشاره کردن را بیفایده نمیدانیم.

آوستا که کتاب قدیم ایران است و در زبان قدیم باختری نوشته شده در میان ایرانیان غیر معروف است و نه تنها کسانی که مایل باطلاع از ملل و نحل یعنی ادیان و مذاهب دیگر هستند سطری از آن نخوانده اند بلکه حتی ادبا و فضیای ایران هم که طبعاً مایل بتحقیق و تتبع در زبان فارسی واصل آن باید باشند و ادبیات جدید و قدیم ایران را بیاموزند خبری از آن ندارند و در تمام ایران یک نفر نیست که زبان آوستائی و یا زبان پهلوی و یا زبان فرس قدیم را بداند و چیزی از این سه زبان قدیم ایرانی بفهمد. لکن یک کتاب مجعول دیگری بنام دساتیر که در زبان عجمی نوشته شده و در هندوستان بطبع رسیده در قرن اخیر منتشر شد و ایرانیها و مخصوصاً ادبای آنها دو دستی بان کتاب چسبیدند و بنای معلومات دینی و تاریخی و لغوی خود را روی آن گذاشتند. «کتاب دساتیر با شرح ساسان پنجم» یک کتابی است که میان خود زردشتیها هم در قرون اخیره شایع شد و ابتدا ملاکوس نامی در حدود سنه ۱۱۸۷ نسخه ای از آنرا از ایران به هندوستان برد و پسرش ملا فیروز آنرا در هند در سنه ۱۲۳۳ با یک ترجمه انگلیسی بطبع رسانید. علاوه بر اینکه متأخرین از نویسندگان ایران (مثلاً صاحب دبستان المذاهب) بنای معلومات خود را در خصوص دین قدیم ایران روی این کتاب جعلی و بی اصل و اساس گذاشته بدبختانه ادبا و لغویون ایران نیز لغات و کلمات منطبق الطیر و جعلی آنرا لغت فارسی صحیح قدیمی فرض کرده و داخل لغت فارسی و کتب لغت و فرهنگها نموده و عامه را بضلالت انداخته اند. بهمین سبب فعلاً در کتب لغت متأخرین و معاصرین اگر یک لغتی دیده شود تا شاهدهی بر آن از اشعار قدما در پهلوی نباشد اعتماد را نباید و ممکن است از لغات دساتیر باشد که فرهنگهای

بگذاردند و آنها را نیز در بازی خود نیاورند بسیار ممکن است که در آن خطه بهشتی که دل و زبان هر ایرانی بذکر «یارب زیاد فتنه نگهدار» در باره آن متذکر و مترنم است نهضت جدید تمدن برای قوم ایرانی شروع شود (چنانکه چندین بار در تاریخ همینطور شده).

هر کس کتاب معروف و جاودانی کز نوفون (۱) سردار ورزش در ایران قدیم و مورخ و نویسنده یونانی را که موسوم به کیروپد (۲) است خوانده میداند که سرتتقی و قدرت و جهاگیری ایرانیان قدیم فقط در ورزش زیاد و مخصوصاً چوکان بازی و اسب تازی بوده و چگونه اطفال خود را با تمام شدت و سختی بوزرشهای سخت عادت میدادند. کتاب مزبور اگرچه کتاب تاریخ صحیح و حقیقی نبوده و تا اندازه ای قصه (رومان) است ولی بلاشک قسمت زیادی از حقایق تاریخی را شامل است و چون از یکطرف خود مؤلف چندی در قلمرو ایران بوده و با قشون یونان بکمک کوروش ثانی (۳) برادر اردشیر اول رفته بود و از طرف دیگر بسیار آگاه و دانا و چشم باز و عالم بود لهذا در آنچه از ایران نقل میکند باید قدری حقیقت مندرج بوده باشد. ما در اینجا میخواهیم از مندرجات این کتاب که مفصلاً در باب ورزشهای ایرانیها سخن میراند شرح بدهیم ولی همینقدر میخواهیم یادآوری کنیم که تصور نشود ایرانی همیشه این بوده که هست و عالمگیر هم شده بود و داریوش هم وافوری بوده و خشایارشا هم مانند یکی از سلاطین اخیر ایران شب تا صبح مشقت میزدند تا بخوابد و بعد یکروز صبح بفته از خواب باشد و رفت تا آتن پایتخت یونان. نه بالعکس ایرانیهای قدیم نسبتاً قوی بنیه و جنگاور و با عزم بودند و بتواتر مورخین دروغ کمتر میگفته اند و دین زردشتی دروغ را از اشد منہیات قرارداده بود و در واقع یکی از ارکان و اصول اساسی آن دین یزدانی راستگویی بوده. مخصوصاً یک ماده مفید و عالی آن کیش قدیم ایرانی هم تقویت اراده و قدرت عزم انسانی بوده که آتم با قوت بدن و اخلاق مناسبت و رابطه دارد چه آئین زردشتی بکلی برخلاف جبر است و نهایت مابینت را با رضای بقضا و قدر و تسلیم عاجزانه بگردش سپهر یا تقدیرات ازلی دارد. بنا بر تعلیم آوستا تمام مخلوقات خوب در عالم وجود از آهورا امزدا و تمام مخلوقات شرومودی و مضر از اهریمن است و این دو منشأ خیر و شر تمام موجودات مادی و معنوی خلقت را میان خود تقسیم کرده اند و فقط یک چیز تنها در عالم وجود هست که از قلمرو هر دو مصدر ایجاد خارج بوده و حکم آنها بر آن جاری نیست و آن چیز مستقل بالذات اراده انسانی است که با اختیار تام و کامل میتواند بطرف خیر یا شر متمایل شود و ایجاد خیر یا شر نماید و بدینوسیله مکی بلسکر آهورا یا سپاه اهریمن که در جنگند بکند و چون قوای طرفین متساوی شود همین اراده انسانی میتواند کفه ترازوی خیر یا شر را

(۱) Xénophon (۲) Cyropædi بفرانسه «سیروپد» یعنی تربیت کوروش که مقصود کوروش اول است.

(۳) کوروش تلقظ صحیح و ایرانی اسم اولین پادشاه هخامنشی ایران است که بدبختانه در ایران بتعریف و تقلید تلقظ فرانسوی «سیروس» میگویند و این فقره نیز از مضحکات است و مثل آن میباید که تیمورلنگ را بتقلید فرانسوها «تیرلان» بگوئیم. مترنم اگر بعدها در ایران زبان انگلیسی رایج شود اسم این پادشاه ایرانی هم در ایران «سایریس» بشود که تلقظ انگلیسی آنست.

(۱) علی بن اسمعیل متولد در سنه ۲۶۶ و متوفی سنه ۳۳۰.

انگلیس را در هندوستان تنقید کرده و جهانی را که باعث شورش هندیان شد بیان کرد و باین وسیله وطن پرستی حقیقی وی که باکمال بی‌اعتنائی بنشانها و مستمرهای انگلیس از حقوق وطن خود دفاع کرد بر همه ثابت شد. لکن مشارالیه در این کتاب خطای هندیان را نیز در شورش بیان نموده و از همه بیشتر اساس استدلال خود را بر روی جهل عمومی ملت و عدم انتشار تعلیم بقدر کفایت در بین آنها گذاشته و با فصاحت لازم بیان کرد که و اجتر از هر چیز و آنچه هندوستان پیش از هر کاری بدان محتاج است انتشار تعلیم عمومی است و از همین جهت مسارالیه با خود عهد کرد که تمام عمر و قوای خود را منحصرآ وقف این خدمت ملی نماید و از آنوقت با این طرف با وجود خدمت رسمی او در ادارات دولتی تمام هم خود را در راه نشر تعلیم در میان ابنای وطن خود صرف نمود. در سن ۵۲ سالگی سید احمد خان سفری با ننگستان نمود و دو پسر خود را با خود برد که آنها را بگد ارد تحصیلات اروپائی بکنند و بواسطه تعلق خاطر شدیدی که بتربیت و تعلیم هم مذهبان و هموطنان خود پیدا نمود در عودت از ارو با یگ مدرسه عالی در غازپور تأسیس کرد.

سفر اروپا در وجود مستمّد سید احمد خان تأثیر عجیبی نمود و مانند برقی در دل او برافروخت و حقیقت حال ملت خود و نقائص آن در پیش چشم وی بقتّه مکشوف گردید و واضح دید که بزرگترین سبب عقب ماندن هندیان هانا استیلای جهل است و سبب آن نیز عمده تعصب کورکورانه است که بوا سطه آن هندیها از انگلیسها و سایر فرنگیها اجتناب ورزیده و از علوم و تمدن آنان نیز پر هیز کرده و علوم طبیعی و فلسفی را مخالف دین شمرده بآداب و رسوم قدیم اجدادی متمسک هستند. مشارالیه ابتدا همت بر شکستن این طلسم جهل و تعصب گماشت و چون پسرش سید محمود را در کمبریج از بلاد انگلیس بتحصیل گذاشته بود و باین مناسبت خود نیز بکمبریج رفته و دارا لقنون بزرگ آنجا را دیده بود لهذا نهایت آمال وی هانا تأسیس مدرسه‌ای مانند آن دارا لقنون در هند بود و در این راه میکوشید.

سید پیش از رفتنش با اروپا یک انجمن ترجمه بنا کرد بود که منظور از آن نزدیک کردن علوم فرنگی بود باذهان هندیان. این انجمن عده مهمی از کتب انگلیسی را بزبان هندوستانی ترجمه و در میان عامه نشر کرد. انجمن مزبور را حکومت انگلیسی تشویق تام نمود و سید احمد خان یک نشان طلا برای این خدمت داد. در سن ۱۲۸۴ سید به بنارس انتقال نمود.

چنانکه گفتیم وی بعد از عودت از فرنگ در خیال خود نقشه تأسیس دار لقنون اسلامی را میکشید. ابتدا یک روزنامه بعنوان «اصلاح کننده هیئت اجتماعی» تأسیس کرد و بواسطه مقالات غرا و مشروحنی که در آن نشر میکرد با دلایل دینی و شرعی بر ضد خطای آنان که علوم جدید را حرام می‌شمردند جهاد میکرد و در این جهاد ترقی نه سال تمام پایداری کرد. واضح است که پیشوایان جاهل و متعصب ابتدا ویرا در ضلالت شمرده و تکفیرش میکردند لکن طولی نکشید که صدق عقیده وی در اسلام بر همه روشن شد و فهمیدند که غرض او محض صلاح حال مسلمین است.

متأخرین از صدها کلمات از آن زبان مصنوعی پر است. کتاب دساتیر یک کتاب قلب و معمولی است که باغلب احتمال اسمعیلیّه آرا ساخته‌اند و شرح را فارسی نوشته و متن را کلمات بی‌معنی از حروف تهجی ساخته و بهم وصل کرده‌اند. این کتاب که سر تا پایی اصل است منشأ و مأخذ خرافات تاریخی «نامه خسروان» تألیف جلال الدین میرزا (که بدبختانه در ایران شیوع یافته) گردیده و بعضی از شعرا و ادبای معاصر هم لغات بی‌معنی آرا از روی فرهنگهای متأخرین اقتباس و در تر و نظم آورده‌اند.

مشاهیر مردمان

مشرق و مغرب

(۳)

سید احمد خان

یکی از مشاهیر سزاوار اشتهار مشرق زمین که هر چه زمان بگذرد آوازه شهرت و عظمت وی بیشتر در پیش هموطنانش بلند خواهد شد سید احمد خان مؤسس اصلاح اساسی و مربی عظیم هندی است. مشار الیه شاید بزرگترین شخص مسلمانان هندوستان است. این مرد بزرگ در ۶ ذی الحجه سنه ۱۲۳۲ در دهلی متولد شده و پسر سید محمد متقی خان (۱) بود. اجداد او از عربستان بهرات آمده و در زمان سلطنت اکبر شاه از آنجا به هندوستان رفته بودند. در ۱۹ سالگی سید احمد خان از پدرتیم شد و یکسال بعد در خدمت دولت هند داخل شد. مأموریت اول او شغل منشی (۲) در اداره محاکم جنایات دهلی بود. در سنه ۱۲۵۷ بدرجه «منصف» [یعنی معاون قاضی] در فتحپور سگری از نواحی آگرا ترقی یافت و چند سال بعد کتانی در خصوص آثار قدیمه دهلی موسوم به «آثار لصنادید» تألیف کرد و بواسطه این کتاب مقام علمی او اشتهار یافت و انجمن آسائی پادشاهی هند ویرا بعضویت خود انتخاب نمود. در شورش بزرگ هند در سنه ۱۲۷۳ سید احمد خان در بخجور معاون قاضی بود و وی طرفدار شورش مزبور نبود زیرا که هند وستان را بدون آنکه بعلم مسلح شود و تعلیم و تربیت کاملاً انتشار یابد مستمّد نجات و استقلال و خلاص از دست انگلیس نمیدید و معتقد آن بود که آن شورش بجای نفع ضرر خواهد داشت. به پشروان شورش ناصح داد ولی مؤثر نشد و باعث تغییر خاطر آنها شده ویرا تهدید کردند باوجود این او جان خیلی از اروپائیان را نجات داد و آنها را سالملاً به میروت فرستاد. بعد از خاتمه شورش دولت انگلیس ویرا مکافات نمود و یک مستمری ماهانه بمبلغ ۲۰۰ روپیه که بطور ارث در خانواده او بر قرار میشد در حق وی مقرر داشته و نشان ستاره هند را باو دادند. چندی بعد وی کتابی بزبان اردو در شرح علل و اسباب شورش هند نوشت که بزبان انگلیسی نیز ترجمه شد. در این کتاب مشار الیه اعمال

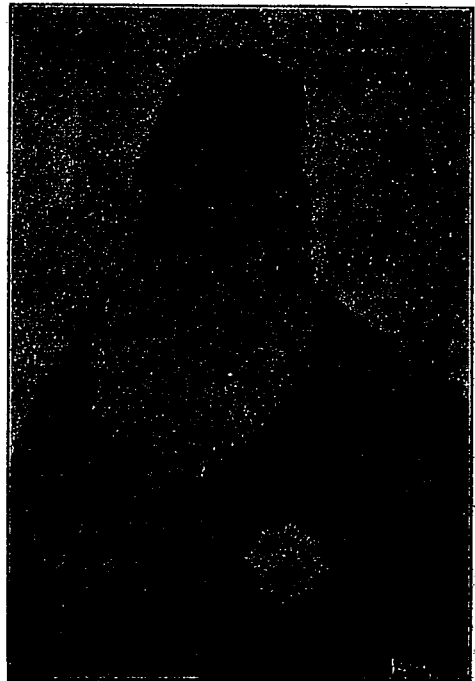
(۱) در دائرة المعارف اسلامی اینطور است ولی مرحوم جرجی زیدان در مجلة الهلال عربی منطبقه مصر اسم پدر را محمد تقی خان منبسط میکند.
(۲) Greffier

مادری وی خواجه فرید الدین احمد مقام مهمتی در هند داشت و از طرف لاردر ولسلی^(۱) بعنوان سفارت با بران فرستاده شده بود و لقب مدبر الدوله امین الملک خان بهادر داشت. خود سید احمد خان نیز مقام مهمتی در پیش حکومت هند پیدا کرد. از سنه ۱۲۹۵ تا سنه ۱۲۹۹ عضو مجلس قانون گذار هند بود و در حدود سنه ۱۳۰۵ مقام عضویت ستاره هند را دارا شد.

لکن عظمت مقام معنوی او در هند و در تاریخ صد برابر بیشتر از این مقامات ظاهری است و بواسطه این منصبها و نشانها نیست که وی این پایه و شهرت را یافته است. مشارالیه بزرگترین رکن نهضت اصلاحی هند و باعث ترقی مسلمین آن دیار است. مرحوم مشارالیه بانهایت جد و اقدام و صبر در راه خدمت بملت خود و پیش بردن مقاصد تعلیمی خود که آنرا بزرگترین کل خدمات بملت و مملکت و مایه حقیقی نجات و استقلال حقیقی هند میدانست جهاد کرد. وی شخصاً ولایات هند را برای جمع اعانه برای دارالفنون میگشت و قریب ۴۰۰،۰۰۰ روپیه هندی باین وسیله جمع کرد. در هر شهری که میرسید مردم شهر تدارک زیاد برای پذیرائی او دیده و مهمانیها ترتیب میدادند ولی او میگفت «من برای خوردن و آشامیدن اینجا نیامده‌ام بلکه برای التماس کمک بیک مقصود وطنی آمده‌ام. مدرسه محتاج پول است آنچه برای پذیرائی من میخو اهد صرف کنید نقد بمن بدهید که برای مدرسه صرف کنم». این شخص عالمقدار و دوراندیش که بهتر از پیشوایان سیاسی حقیقت حال و چاره نجات و وسیله حقیقی ترقی را میدید تمام عمر خود را در راه تعلیم و تربیت صرف کرد و در او آخر عمر ۲۰ سال تمام شب و روز اوقات خود را وقف پیش بردن کار دارالفنون کرد و بد آنجا رسانید که امروز مدرسه علیکده مرکز عقل و علم هندیان مسلمان است و در واقع سرمایه ترقی آنها است و شاید در هزار نفر هندی مسلمان و عالم ده نفر پیدا نشود که تربیت و علم او از علیکده نباشد و فی الحقیقه معنی مرهون منت احسان سید احمد خان نبوده باشد.

مدرسه علیکده بزرگترین مدرسه اسلامی هند است که در آن علاوه بر زبانهای هندی و انگلیسی فارسی و عربی نیز تعلیم میشود و علوم اسلامی و علوم اروپائی هر دو تدریس شده و علوم و فنون اغلب بزبانهای شرقی تحصیل میشود. این مدرسه قریب هزار نفر شاگرد و عده زیادی معلمین بزرگ دارد و تنها مدرسه عالی است در هند که فقط بهمت و پول خود بومیان بنا شده. مدرسه مزبور یک کتابخانه مهم و یک مطبعه و یک مسجد دارد و همچنین یک روزنامه هفتگی در دو زبان اردو و انگلیسی موسوم به «مجله دار العلم الیکار»^(۲) در آنجا منتشر میشود. بعدها یک مریضخانه نیز بر عمارت مدرسه اضافه شده و بنا وسعت یافت و مدرسه بیشتر از بانصد لیره انگلیسی در ماه مخارج داشته^(۳).

تمام خیال سید احمد خان پیش تأسیس دار الفنون بود و در این راه زحمات زیاد کشید و بعقبات و موانع بزرگ بر خورد لکن وی از مقصد خود برنگشت. ابتدا برای همین مقصود یک انجمنی با اسم «انجمن سرمایه مدرسه هندی انگلیسی و اسلامی» تأسیس کرد و مقصود تأسیس آن مدرسه در بنارس بود. بعد که خود سید را به علیکده^(۱) مأمور کردند بنا شد مدرسه در آنجا باشد که تقریباً مرکز ممالک اسلامی هند است. تأسیس مدرسه با مشکلات سخت بر خورد. تعصب مردم و مخصوصاً پیشوایان تعصب جاهلانه که هر تغییر یا اصلاح جدیدی را بدعت می نامیدند عقبه بزرگی در جلو کار بود و از طرف دیگر جمع سرمایه آسان نبود رجال انگلیس هم کمک زیادی در پیشرفت این کار کردند ولی باز وجه کافی جمع نشد. سید احمد خان و همراهانش دیگر منتظر نشده یک مدرسه کوچکی در علیکده بنامند با اسم «مدرسه اسلامی و انگلیسی». مدرسه در ربیع الثانی سنه ۱۲۹۲ افتتاح شد و همین قدم اول که شروع بکار کردند و از قوه بفعال آوردند باعث اعتماد مردم شد و طولی نکشید که بقدر کافی مساعدت مالی بعمل آمده و مدرسه عالی منظور تأسیس شد و لاردر لیتون^(۲) در اول سال ۱۲۹۴ سنگ اساس بنای آنرا نهاد که حالا نیز پایدار است. این مدرسه ابتدا در تحت اداره بعضی از انگلیسها بود ولی بعد خود سید از مأموریت خود استعفا داده و از ۱۲۹۷ باین طرف منحصرأ اوقات خود را سعی پیشرفت مدرسه کرده و بتعلیم و تألیف و خطابت مشغول بود تا در او اخر سال ۱۳۱۵ در ۸۱ سالگی (شمسی) وفات کرد.



عکس سید احمد خان در سن پیری

سید احمد خان از خانواده نجیب و بزرگی بود جدوی در عهد امپراطور هند عالمگیر (۱۰۲۴-۱۱۱۸) لقب جواد الدوله گرفت و جد

(۱) Aligarh - تلفظ و املائی فرنگی این اسم شهر «آلیکار» است ولی ظاهراً مسلمانان هند علیکده مینامند و ظاهراً اصل کلمه «عالی گاره» بود یعنی قلعه عالی. این شهر قریب هفتاد هزار نفوس دارد که از آنجمله قریب بیست و هشت هزار نفر مسلمانند. Lytton (۲)

(۱) Wellesley (۱۷۶۰-۱۸۴۲ میلادی) مشارالیه از سنه ۱۲۱۲ تا سنه ۱۲۲۰ فرمانفرمای هندوستان بود و دهلی را فتح کرد.
(۲) Aligarh institue Gazette
(۳) حالا لا بد خیلی بیشتر از این مبلغ شده.

وشاپیل و اخلاق او شمه‌ای سخن رفت اکنون در این قسمت دوم از مقاله میزیم بیلا گرفتن کار او و رقابت و پنجه در پنجه نمودن او با دولت معظم روم.

آیلا و دولت روم

چنانکه در قسمت اول این مقاله در شماره پیش گذشت آیلا از سنه ۴۱ میلادی رسماً بنای آزار و اذیت روم را گذاشته و در همان سال بهانه اینکه خلیفه شهر مارگوس^(۱) که شهری بود سرحدی واقع در ساحل جنوبی (راست) دانوب نزدیک به بلغراد کنونی محقیانه وارد مزار پادشاهان هون شده و ذخایر آنجا را دزدیده است بنای تاخت و تازرا در خاک روم در ایالت قدیمی میزی^(۲) که تقریباً بلغارستان و سربستان کنونی میشود گذاشت و از آن بعد هر روز بهانه‌ای شهری را آتش زده و جمعی را بهلاکت می‌رساند و اغلب بهانه‌های او راجع بود با اجرای مواد عهدنامه‌ای که در آغاز سلطنت خود با امپراطور روم شرقی ثودوس^(۳) دوم (۴۰۸-۴۵۰ میلادی) بسته بود و موافق یکی از مواد آن مبلغی که سالیانه دولت روم بیادش هون میداد از ۳۵۰ به ۷۰۰ لیره طلا بالا برده شده بود. خلاصه آنکه در سنه ۴۷ میلادی آیلا از نو بنای تاخت و تازرا در خاک روم نهاد و با کمال خونخواری و بیداد از ایالات ترانس و مکدونیه گذشته و پس از ویران نمودن ۷۰ شهر عمده نزدیک شد بقسطنطنیه که پایتخت روم شرقی بود و امپراطور پس از آنکه دوبار شکست فاحش خورد و سلطنت خود را در چنان خطر مهلکی دید خواستار صلح گردید و آیلا هم قبول نمود و از آن پس مقرر گردید که خراجی که دولت روم شرقی به آیلا میداد به ۲۱۰۰ لیره طلا سالیانه بالا برده شود و بعلاوه امپراطور مجبور شد که فوراً بعنوان خراج عقب افتاده چند ساله مبلغ ۹۰۰۰ لیره هم تقدیم آیلا نماید و سپس بهیچ وجه رعایای آیلا را در خاک خود پناه ندهد. ولی آیلا باین آسانیهها دست بردار نبود و عاقبت امپراطور مجبور شد در عهدنامه صلح تازه‌ای که میان آیلا و دولت روم شرقی بسته شد ناحیه بزرگی از خاک ساحل راست دانوب را باو واگذارد و برای مذاکرات در خصوص این عهدنامه سفارتی بدربار آیلا فرستاد که خیلی مشهور است و جزئیات آن در تواریخ مانده چونکه پریسکوس^(۴) نامی از

در مدرسه عالی علیکده زبانهای انگلیسی و سانسکریت و عربی و فارسی و علم تاریخ و ریاضی و غیره تعلیم میشود. هشت نفر استاد فرنگی و عده زیادی معلمین بومی دارد. معلم عربی علامه هورویتر معروف از مستشرقین است.

سید احمد خان علاوه بر وطن پرستی و سعی در نشر تعلیم و ترقی در مملکت خود که بزرگترین فضائل او است و ویرا شخص بزرگ و مشهور مشرق زمین کرده شخصاً عالم و نویسنده هم بوده و مؤلفات و مقالات زیادی از او نشر شده. از کتاب «آثار لصنادید» او که بزبان فرانسه هم ترجمه شده^(۱) و کتاب دیگری در باب شورش هند که با انگلیسی نیز ترجمه شده ذکر می‌گردد. علاوه بر ایند و کتاب وی کتاب دیگری در شرح تورا در سه جلد و کتابی در تفسیر قرآن نوشته و مقالات و رسائل بیشمار در زمینه‌های مذهبی و اجتماعی و تعلیمی نوشته که از آنجمله رساله‌ای در باب سیرت حضرت رسول است.

این بود مختصر سیرت یا تاریخ زندگی یک مرد بزرگ شرقی که نه فتوحات با شمشیر کرده و نه خطیب سیاسی نه وزیر و امیر و نه پیشرو یک فرقه سیاسی بود ولی خدمتی که وی بمملکت جاهل و ملت عوام و متعصب و بدبخت خود کرد قابل قیاس با خدمات هیچ‌کسی در ایران در صد سال گذشته نیست. آیا مقدر نیست که ایران بدبخت نیز عوض اینهمه محی الله و محی التوله‌ها یک سید احمدخان پیدا کند؟

مطالب این مقاله مأخوذ است از دائرة المعارف اسلامی ماده «احمد خان» و «آلکار» و مقاله مرحوم جرجی زیدان در مجله الهلال عربی (شماره اول از سال هفتم مورخه ۱۰ جمادی الأولى سنه ۱۳۱۶) و دائرة المعارف آلمانی «مایر».

در تواریخ هجری که در مقاله آمده اغلب مسامحه شده یعنی هر سنه میلادی را بیک سال هجری که قسمت بزرگتر آن با هم مطابق بوده تحویل کردیم و در واقع بایستی بهر سال میلادی دو سال هجری ذکر شود.

آیلا بلای آسانی

هجوم و استیلای بنیان کن آسیا بر اروپا

(نست دوم)

در قسمت اول این مقاله در شماره گذشته کاوه ما سعی نمودیم که تا حدی که در خور گنجایش روزنامه بود اوضاع اروپا در آن زمان یعنی در دو سه قرن قبل از ظهور اسلام که مطابق اواسط دوره سلطنت ساسانیان میشود روشن نماییم و نگاه بنظر استیلای قوم هون از نژاد مغول بر اروپا پرداخته و رسیدیم بظهور آیلا از پادشاهان نامی آن قوم که شرح حال و فتوحات و اعمال او موضوع این مقاله است و پس از آنکه در شکل

(۱) در سنه ۱۸۶۱ میلادی در پاریس بطبع رسیده.

(۱) Margus (۲) Mésie (۳) Theodosius II مشهور به

ثودوس جوان که قانون ثودوسی مشهور بهمن او ایجاد شده است.

(۴) پریسکوس (Priscus) مورخ رومی (اصلاً یونانی است) که چنانکه در ذیل خواهد آمد با هیئت سفارتی که از طرف امپراطور روم شرقی سابق الذکر (ثودوس دوم) بدربار آیلا فرستاده شد همراه بود و کتابی در خصوص آیلا تألیف نموده که بسیاری از معلومات قطعی که اکنون درباره آیلا در دست است از آن کتاب مأخوذ است و در آنجا راجع باین عهدنامه مذکور است که قرار شد که دولت روم تمام هوتهای را که جلای وطن نموده و بجاک روم گذشته بودند عودت بدهد و ۶۰۰۰ لیره طلا از بابت خراج عقب افتاده بپردازد (و از آنجائیکه خراج مزبور قبل از این عهد عبارت بود از ۷۰۰ لیره طلا برای هر سال لهذا معلوم میشود که خراج مزبور هشت نه سال پرداخته نشده بوده است). بعلاوه بنام دولت روم من بعد سه برابر خراج سابق یعنی ۲۱۰۰ لیره طلا سالیانه خراج بدهد و از آن پس نیز دولت روم قبول نمود که برای هر ترقه‌هویی که معلوم شود در خاک روم باقی مانده و عودت داده نشده ۱۲ لیره طلا بپردازد.

شکوه و جلال زنهای بزرگان پایتخت روم را بنظر میآورد است و تماماً بوسیله چپاول و غارت بدست آمده بوده است در آن کتاب ذکر شده، در خانه‌های زنهای آتیلا و زنهای بزرگان هونها بهترین فرشها و پربهاترین ظروف طلا و نقره دیده میشده و مخصوصاً جواهر آلات باندازه‌ای زیاد بود که حتی روی کفشهای خود را هم با مروارید پوشانده بودند ولی خود آتیلا همیشه در ظروف چوبی غذا میخورد و لباس ساده ولی پاکیزه میپوشید و حتی تاجش هم از « آهن زنگ زده بود ». خلاصه پریسکوس مورخ سابق الذکر مینویسد که در همان سنه ۴۴۸ء که وی در دربار آتیلا بوده روزی با سفیری که از طرف امپراطور روم غربی در همان اوقات بدربار آتیلا آمده بود ملاقات نمود و سفير مذکور که شخص کاردان و با تجربه‌ای و موسوم به رومولوس^(۱) بود در خصوص آتیلا چنین سخن راند: « بلی، بخت و اقبال چنان با این شخص همراه است که دیگر حتی حرف بگوشش فرو نمیرود... و حقیقه هم باید اقرار کرد که چه در خاک اسکیت‌ها^(۲) و چه در جای دیگر هیچکس در یک مدتی بدین کوتاهی این همه کارهای عمده از پیش برده است و حالا که تمام خاک اسکیت‌ها را تا جزایر اقیانوس^(۳) در تحت اطاعت خود آورده و ما را هم خراجگذار خود نموده باز هم خیالات بزرگتری در دیگ کله خود میزد و قصد استیلای ایران را دارد، بشنفتن این اظهارات یکی از مستمعین که رومی بود و با سفرا آمده بود که جزو منشیان آتیلا که همه رومی بودند شده و در خدمت آن پادشاه داخل شود پرسید که آتیلا از کدام راه میتواند قشون بحاک ایران بکشد و رومولوس جواب داد که هونها راه ایران را خوب میشناسند چونکه چندی پیش از این آنها تاخت و تازی از همان راه در خاک ایران نموده‌اند و شرح این مسئله چنان است که در آن زمان در خاک هونها (واقع در شمال قفقاز) حط و خشکسالی واقع شد و چون مملکت روم شرقی هم بمناسبت جنگی که در آن وقت در ین بود نمیکشود با آنها زاد و خورد نماید و زنج^(۴) و کوزنج^(۵) که هر دو از دودمان سلطنتی هونها بوده و بدست عظیمی فرمانفرما بودند و بعدها هم برای عقد عهد اتحادی به شهر رم (پایتخت سلطنت روم غربی) آمده بودند تا خاک مدی (یعنی قسمت شمال غربی ایران) را بکنند و حکایت کردند که پس از عبور از یک صحرا و یک دریا همینکه پانزده روز راه پیوند از کوهی گذشته و بحاک مدی رسیده بودند و مشغول غارت و جلو رفتن در آن خاک بودند که یک دسته از لشکریان ایرانی رسیده و « تگرگ تیرا » بانها باراندن گرفته بودند و هونها مجبور شده بودند

مورخین رومی همراه این سفارت بحاک هونها آمد و هر چه دید و فهمید نوشت و آن نوشته باقی مانده است. دربار یزانیس یعنی روم شرقی در موقع فرستادن این سفارت نتخواهی بیک نفر داده و او را هم با سفارت خود همراه نموده بودند و او متقبل شده بود که آتیلا را بقتل برساند ولی این توطئه مکشوف گردیده و شخص مزبور بچنگ آتیلا افتاد و اقرار بسو قصد خود نمود و عجب آنست که شخصی مثل آتیلا که خود را « بلای آسمانی » و « چکش دنیا » مینامید از زجر و شکنجه چنین شخصی که میخواست برای صد لیره طلا او را بقتل برساند صرف نظر نمود و انتقام خود را در آن دانست که دو نفر از بستگان خود را با سفارت بدربار امپراطور روم ثئودوس که محرک این کار بود بفرستد و کیسه پولی را که برای قتل آتیلا بشخص مزبور داده بودند بگردن یکی از دو سفير خود بیندازد و دو نفر ایلچی مزبور بدون تغییر لباس و با کیسه مذکور بگردن در مقابل امپراطور آمده و خطاب بامپراطور چنین سخن رانند: « آتیلا پسر مؤذذوخ و تو که ثئودوس هستی هر دو بسر پدران با نام و تنگی هستید. آتیلا احترام پدر را نگاه داشت ولی ثئودوس مقام خود را از دست داد چونکه با تیلا خراجگذار شد و بدینواسطه قبول نمود که حکم غلام آتیلا را پیدا نماید. اکنون معلوم میشود که این غلام بدجنس فاسد خواسته دامی برای آقای خودش بگسرد و چون این کار او نا حق است آتیلا همیشه او را ظالم خواهد خواند... ». دربار روم برای ترضیه خاطر آتیلا هیچ کاری را فرو گذار نکرد و بدترین و اقساح انگیزترین اقدامات تن داد ولی رام نمودن آتیلا باین آسانی صورت پذیر نبود و مشار الیه با فعالیت هر چه تمامتر مشغول تدارک کار خود بود و در یکی از روزهای سال ۴۰۰ میلادی دو نفر از فرستادگان وی یکی در مقابل امپراطور روم شرقی و دیگری در مقابل امپراطور روم غربی حاضر شده و گفتند: « آتیلا خداوند من و تو بتو حکم مینماید که برای او قصری تدارک کنی که خواهد رسید ».

ولی پیش از آنکه بشرح عواقب این واقعه پردازیم باید چند کله در خصوص خیالات و مقاصد آتیلا بگوئیم. پریسکوس مورخ سابق الذکر که چنانکه گفتیم بمصاحبت هیئت سفارت امپراطور روم شرقی بدربار آتیلا رفته بود در خصوص شخص آتیلا و جزئیات زندگانی و حرم و مسکن و اخلاق و هم مقاصد و نیات جهانگیری او تفصیلات مشروحی نوشته که خیلی خواندنی است و از آنجمله مثلاً تفصیل مرکز سلطنت آتیلا را - که اگر چه حتماً در خاک مجارستان کنونی بوده ولی هنوز هم در محل صحیحش اختلافاتی در بین علما است و بعضی همان قسمت شرقی شهر بوداپست پایتخت مجارستان را میدانند و بعضی دیگر شهر توکای را که در سی فرسنگی شمال شرقی بوداپست واقع است و بالأخره بعضی دیگر در نقاط و اماکن مابین دو محل مذکور یعنی در سرزمین واقع بین دو رودخانه تائیس و دانوب تقریباً در ده فرسنگی شرقی بوداپست فرض میکنند - شرح داده و همچنین تفصیل دقیق و مشروحی راجع بساختن منازل سلطنتی که همه چوبی بوده و منزلگاه خود آتیلا که در وسط بوده و منزلگاه زنهایش که خیلی متعدد بوده‌اند در اطراف آن و هم تفصیل تجملات خانه و لباس زنهای آتیلا که

(۱) Romulus (۲) Scythes (بفرانسوی سیت تلفظ میشود) اسم

قومی است بسیار قدیمی که عموماً بحالت ایلانی در سرزمین شرقی اروپا و نواحی شمال غربی آسیا سکنی داشته‌اند و بسیار زور آور و قوی ولی خیلی بدعمل و پلید و شهوت پرست بوده‌اند. قوم مذکور در قرن هفتم قبل از میلاد مسیح بین النهرین را استیلا نموده و کوروش پادشاه ایران را مغلوب نمودند و بعدها در سنه ۵۱۳ قبل از میلاد هم در حوالی دریای سیاه صدمه بسیاری بقشون داریوش هخامنشی وارد آوردند. [مقبول از کتاب « تاریخ روابط روس و ایران » ضمیمه کوه، شماره ۱۲ از سال اول دوره جدید، صفحه ۴۲ حاشیه ۱].

(۳) ظاهراً مقصود جزایر واقع در دریای بالتیک (دریای شرقی) در شمال ایالت کنونی پروس است.

(۴) Wasich (۵) Kursich

گول‌ها (فرانسه کنونی) که جزو قلمرو دولت روم بود روان شد. شرح قشون آتیلا در این موقع در صفحات تاریخ برای ما باقی مانده است. هیچوقت پس از لشکرکشی پادشاه بزرگ هخامنشی خشایارشا (۴۹۰-۴۸۰ قبل از میلاد) بجاک یونان چشم اروپا چنین سپاه معظمی ندیده بود. قشون مزبور که عده آنرا بعضی مورخین هفتصد هزار نفر نوشته و بطور یقین از یک کرور نفر کمتر نبود مرکب بود از اقوام متعدد آسیایی و اروپائی هرکدام با اسلحه مخصوص خود: هیاطله (هونهای سیاه ترکستان) و خزرها با ترکشهای بلند، آلتها با نیزه طویل و زره شاهی، زلونها (۱) با بدنههای خط و خال دار و با داسی که بجای اسلحه آنها بود و با کلاه خودی که از پوست انسان ترتیب داده شده بود، زرمها (گوتهای شرقی) با سلاح آهنین سنگین و خیلی اقوام دیگر از هون و غیر هون که ذکر آنها موجب اطباب میگردد. بهانه آتیلا در قشون کشی بجاک گول‌ها سرگویی گوتهای غربی بود که رومها آنها را در خاک گول جا داده بودند و آتیلا آنها را از رعایای فراری خود بشمار میآورد. قشون آتیلا در ماه اذار رومی سنه ۴۵۱ میلادی از رودخانه رن عبور نموده و وارد خاک گول شد و بزودی بر تمام خاک بلژیک و برهان قطعاتی از خاک فرانسه کنونی که در موقع جنگ اخیر عمومی نیز میدان زد و خورد گردیده بود دست یافتند و حتی هونها مینه قشون خود را تا باقیانوس اطلس هم رساندند. هونها پس از آنکه بسیاری از شهرهای گول‌ها را (اجداد فرانسه‌های امروزی) با خاک و خون یکسان نمودند رسیدند در مقابل شهر مشهور اوزلن که واقع است در تقریباً در ۱۰ فرسنگی جنوب پاریس و آن شهر را محاصره نمودند ولی در همان اوان آن سیوس سردار مشهور رومی سابق الذکر با قشونی از رومیان و گوتهای غربی که پس از گفتگو و تردید بسیار بالاخره حاضر بهمراهی با قشون روم و جنگ با آتیلا گردیده بودند در رسید و مانع از خرابی شهر مذکور گردید و تاریخ این واقعه در ۲۳ حزيران سال مذکور یعنی ۴۵۱ میلادی است و جای آن دارد که تمام ملل و اشخاص تمدن دوست این روزا مبارک دانسته و جشن بگیرند چه اگر در آن روز جلوی قشون خونخوار و سبع هونها گرفته نشده بود خدا میداند که تمدن مغرب که امروز هم تمامی کره زمین ریزه خوار خوان اوست از آن لطمه مهلک دیگر چه وقت میتوانست قد علم نماید. آتیلا در مقابل قشون روم و گوتهای غربی شبانه عقب نشسته و بطرف شمال شرقی یعنی بطرف شهرهای مستحکم مشهور کنونی وِردَن و مِتَز که اسم آنها در موقع جنگ اخیر عمومی اروپا بهر گویی رسیده روان شد. مورخین قدیمی اسم ناحیه مزبور را «میدانهای کاتالونی» (۲) نوشته‌اند. قشون روم و متحدین او از بررها یعنی غیر رومی هم معلوم است در تعقیب آتیلا هیچ‌گونه تأخیری را جایز ندانستند و در نواحی مذکور در فوق دو قشون بیکدیگر نزدیک شدند و آتیلا جز قبول جنگ چاره‌ای نداشت و پس از نطق مفصلی که خطاب بلشکر خود نمود جنگ شروع شد. تفصیلاتی را که مورخین در خصوص این جنگ نوشته‌اند چنان هول انگیز و موحش است که شخص هر قدر هم

که خود را از دشت عقب کشیده و بطرف کوهستان فرار نمایند و در آن بین ایرانیها قسمت عمدۀ غنایم آنها را از دستشان گرفتند و هونها برای آنکه از تعقیب دشمن مصون باشند راه دیگری غیر از راه آمدنشان گرفته و از منابع نفت باکو عبور کردند و پس از ایامی چند بجاک خود رسیدند (۱).

در سنه ۴۵۰ میلادی اوضاع بقراری بود که گذشت. قوت و قدرت آتیلا بتمهی درجه کمال رسیده بود و بقول ژوردانیس (۲) مورخ که خود معاصر آتیلا بوده «گروه پادشاهان و سران ملل مختلفه باوامر او مثل بچهما اطاعت مینمودند و بمحض اینکه آتیلا چشمش را بر میگرددانند نفسها گرفته میشد و همه هر اسناک میگرددند و هر چه او میگفت همان میکردند. ولی خود او که پادشاه پادشاهان بود مقامش بالاتر از همه و بفکر همه بود (۳). آتیلا که عظمت قوت خود را بخوبی حس میکرد در پی بهانه‌ای بود که روم حمله برده و آن سلطنت را نیز مضمحل نموده و بکلی بی‌منازع بماند و چنانکه گفتیم هیچوقت بهانه برای آتیلا کم نبود. قریب پانزده یا شانزده سال قبل از آن هونوریا (۴) خواهر امپراطور مشهور روم غربی والانتینین (۵) (۴۲۵-۴۵۰ میلادی) از روی جوانی و نادانی محرمانه انگشتی با آتیلا فرستاده و خود را نامزد او خوانده بود ولی آتیلا اعتنائی بدینمطلب نکرد و هونوریا بنای بد عملی را گذاشت و مورد سیاست مادرش گردید و سالها گذشت که هیچ اظهاری از طرف آتیلا در این خصوص نشده بود ولی دفعه سفیری از طرف آتیلا رسید و با شدت لهجه هر چه تمامتر از آزاری که از طرف کسان هونوریا بوی وارد شده بود شکایت نموده و مطالبه جهاز او را نمود که بنا بتوقع آتیلا عبارت بود از نصف مملکت روم غربی. ولی رومها فوراً دختر را بشوهر داده بودند و سفیر آتیلا را دست خالی برگرداندند. خاطر آتیلا چون از اینطرف آزرده شد در پی بهانه‌های دیگر برآمد و بنای جمع آوری قشون گذاشت و با ژانسیک (۶) رئیس قوم واندالها از اقوام زرمی که ذکر آنها گذشت و به قرطاجنه و بسایر نواحی شمالی آفریقا دست یافته بود محرمانه عهد اتحادی بست و در اوایل سال ۴۵۱ میلادی با لشکر عظیمی بحرکت آمده و بطرف خاک

(۱) مارکوارت در «ایران شهر» صفحه ۷-۹۶. J. Marquart: Eransahr - Berlin, 1901, S. 96/97

(۲) Jordanis (بزرگان کونی یوراندیس = Jornandis) مورخ کونی (آلانی الاصل) که در حدود سنه ۵۰۰ میلادس متولد گردیده و در حدود سنه ۵۶۰ میلادی وفات نمود. (۳) Grata justa (۴) Honoria (۵) Valentinian III (Flavius Placidus Valentinianus)

(۶) Genseric یا Geiserich (Gensirit = Geisericus) پادشاه قوم واندال سابق الذکر (در قسمت اول مقاله در شماره گذشته کاوه) از اقوام زرمی بود که در سنه ۴۲۸ میلادی بسلطنت رسید و در ۴۲۹ با قشون معظمی از خاک آسیای بافریقا گذشته و بتدریج بر تمام مستملکات رومیها در آفریقا دست یافت و تمام شهرها را مرض نهب و غارت قرارداد و پس از عهدنامه صلحی که در سنه ۴۳۵ میلادی با روم بست پادشاه مقتدر و معظمی شد و بعدها با کشتیهای جنگی خود بجاک روم تاخته و حتی در سنه ۴۵۵ شهر روم را که پایتخت مملکت روم بود گرفت و ۱۴ روز تمام لشکریان وی مشغول نهب و قتل و غارت بودند و بالاخره زن قیصر روم و دختران وی را باسیری گرفته و باخود بافریقا برد و دختر قیصر را برنی پسر خود داد و پس از تاخت و تازها بجاک مصر و سواحل آسیای صغیر در سنه ۴۷۷ میلادی در گذشت و امروز در زبانهای فرنگی کلمه «واندالیسم» که از اسم قوم مذکور مشتق است و وحشیگری و خونخواری و بیادرا میرساند.

(۱) Les Gélons

(۲) Les champs Catalauniques

پُر دل باشد از خواندن آن هراسناک گردیده و مو بردنش راست میشود. از جمله مینویسند جوئی از میان دشتی که میدان جنگ گردیده بود میگذشت و در آن موقع تقریباً خشک بود ولی همینکه جنگ شروع شد و آن همه اقوام متعدّد مختلف سنج و آوار بجان یکدیگر افتادند طولی نکشید که سیل خون در جوی مذکور افتاده و جوی خونابه روان شد و تمام مجروحینی که در آن موقع خواستند عطش خود را از آن خوناب تسکین دهند مسموم گردیده و هانجا جان میدادند. جنگ در سه ساعت بعد از ظهر روز مذکور شروع شد و آن قدر طول کشید که شب رسید و تاریکی و ظلمت مانع از مداومت آن گردید و فردای آن روز همینکه نور خورشید میدان جنگ را روشن نمود چنان منظره و وحشتناکی در مقابل چشم دو قشون جلوهرگر گردید که از دو طرف فریاد قرع و وحشت بلند گردید چونکه قریب صد و پنجاه هزار نفر بروی هم توده گردیده و زمین میدان جنگ را بکلی از نظر غایب نموده بود. ولی با اینهمه معلوم نبود کدام طرف غالب است و کدام طرف مغلوب. قشون آئیسیوس همینکه دید که آتیلا دوباره اقدام بشروع بجنگ نمود و ظفر را با خود دانست در صورتیکه آتیلا برخلاف بهیچوجه آثار مغلوبیتی ظاهر نمیداشت و مدام چکاچاک اسلحه و نیز بوق و شیور از اردوگاهش بلند و گوش را کر مینمود و بقول تیری (۱) مورخ فرانسوی سابق الذکر حالت شیری را داشت که در گناب خود محصور شده و راه پیش و پس بر او بسته باشد و باغزش خود لرزه بر اندام هر جاننداری و حتی خود شکارچی که او را محاصره نموده است بیندازد. ولی آتیلا بمحض آنکه فهمید که تنودوریک (۲) (۴۱۹-۴۵۱ میلادی) پادشاه گوت‌های غربی در جنگ کشته شده و گوت‌ها از قشون آئیسیوی جدا شده و بطرف سرزمین خود یعنی جنوب خاک گول برگشته‌اند مصمم بعقب نشستن گردیده و با شکوه و عظمت هر چه تامتری بطرف رودخانه ران روان شده که از آنجا بمرکز سلطنت خود برگردد. قشون روم هم با احتیاط تمام بنای تعاقب او را گذاشت ولی جرئت نزدیک شدن نداشت و بیشتر محض حفظ ظاهر و مانع شدن از تأخیر آتیلا در اقامت در خاک گول بود. آتیلا در همان سال بمرکز سلطنت خود رسید در صورتیکه از سوء عاقبت قشون کئی خود بسیار ناراضی و در دیگ کله خود نقشه‌های تازه‌ای در گرفتن انتقام از روم می‌بخت.

لشکرکشی آتیلا بخاک روم

آتیلا پس از رسیدن باردوگاه خود بدون فوت وقت مشغول تهیه و تدارک کار قشونکشی تازه‌ای گردیده و در سال بعد یعنی ۴۵۲ میلادی در عین سرمای زمستان با قشون عظیمی از رودخانه دانوب گذشته و وارد خاک روم غربی (یعنی خاک ایتالیا) گردید و از رودخانه سونتئوس (۳) (ایزوزوی (۴) معروف کنونی) هم عبور کرده و پس از آنکه تمام ناحیه حاصلخیز و بار آور و نیزی را هم با خاک و خون یکسان نمود رسید در مقابل شهر قدیمی مشهور آکیل (۵) (واقع در ساحل شمالی دریای آدریاتیک در نزدیکی تریست) و پس از سه ماه محاصره سختی شهر را گرفته و بکلی خراب و

Léon I (۴) Marcien (۳) Ligurie (۲) Ravennes (۱)

Théodorio I (۲) A. Thierry (۱)
Aquilée (۵) Isonzo (۴) Sontius (۳)

و آهک بسته و دوباره آب را در مجرای رودخانه انداختند و کارگران و عمله‌ها نیز که در آن کار دخیل بودند تمام را پس از انجام کار سر بردند که این راز سر بمر بماند (۱).

باید دانست که این ترتیب کفن و دفن اصلاً در زمانی که ما از آن صحبت می‌داریم درباره بزرگان و سران نامدار و والا مقام معمول بوده چنانکه تفصیل دفن و کفن پادشاه و سرکرده مشهور قوم گوت موسوم به آتیلک اول که در قسمت اول این مقاله ذکر او رفته کمال شباهت را با دفن و کفن آتیلک داشته است. و قیقه مشار الیه پس از آنکه سه بار پایتخت معظم روم را محاصره و معرض قتل و غارت قرار داده بوه در سنه ۴۱۰ وفات نمود لشکریان وی جسد او را بهمان قراری که در خصوص جسد آتیلک مذکور گردید در سه تابوت گذاشته و آب رودخانه بوزینتو (۲) را که رودی است در جنوب خاک ایتالیا برگردانده و آتیلک را در زیر مجرای رود مذکور بجاک سپرده و دوباره آب را در مجرای خود انداختند.

علاوه بر تابوت آتیلک در اطراف هان محلی که تابوت مذکور پیدا شده از چندین سال باینطرف مبالغی مسکوکات طلا و آلات و ادوات قدیمی از زیر خاک پیدا شده که بمجموع آنها اسم «کشفیات آتیلک» (۳) داده‌اند و در خزینه «هوفبورگ» (۴) در وین محفوظ است. سید محمد علی جمال زاده.

پولهای اساسی

و مقیاسهای مختلفه

مقاله ذیل شرح مفیدی است بقلم جناب آقا میرزا عباس خان اعظم السلطنه نایب اول سفارت ایران در برلین که در باب مقیاس اساسی پولهای متداوله که موضوع مهمی است و ببرد همه میخورد مرقوم داشته‌اند و روزنامه کاوه با تشکر مخصوص آنرا درج میکند. نویسنده محترم مقاله از جوانان لایق و با فضل عهد جدید است و در رشته علوم اقتصادی تفصیلات نموده. مقاله دیگری هم بقلم جناب ایشان در شماره آینده داتر باعتبار معنی علمی آن درج خواهد شد.

مسئله مقیاس پول (۵) در ترقی مالیه و توسعه تجارت و اعتبار هر مملکتی اهمیت تام دارد. متأسفانه تا آغاز جنگ بین المللی این مبحث از مسائلی بود که در ایران ندره طرف توجه و مطرح مذاکره واقع میشد ولی در هنگام جنگ مسئله تفاوت تسعیر و جوهات مختلفه بتدریج باعث شد که تجار و صرافان و معامله‌چی‌های ایرانی توجه خود را بیشتر بمسائل پولهای خارجه معطوف نمایند. چون برحسب اتفاق در هنگام جنگ بواسطه اشتغال عملها در کارخانهای نظامی و جهات دیگر حاصلات نقره زیادتی ایام سابق نبود طبعاً قیمت نقره بالا رفت و چون ایران دارای مقیاس نقره است این مسئله نیز یکی از علل مهمه ترقی پول ایران نسبت بپولهای خارجه شد و برخلاف قوانین عمومی از این ناحیه در موقع جنگ و

خلاصی نمیشود. مورخین در اسباب مرگ او اختلاف نموده‌اند بعضی گفته‌اند که در شب عروسی با ایدوکو (۱) که بر حسب روایات منقوله دختر یکی از پادشاهان ژرمنی بود که مغلوب آتیلک شده بود خون در گلویش گیر کرده و از آن سبب مرده است و برخی دیگر همین نوعروس ژرمنی را کشته‌اند او میدانند. خلاصه پیش از آنکه دست زمان جسد آتیلک را از هم متلاشی نماید نفاق و اختلاف جانشینان وی سلطنت معظمی را که یک ربع قرن اراده قوی و پنجه قهار او در پهنای آسیا و اروپا برپا نگاه داشته بود بکلی از هم پاشید و طولی نکشید که جز اسمی که از قوم خونخوار هون بر مملکت «هونگار» [مجارستان] که مرکز سلطنت آتیلک بود باقی مانده دیگر اثری که دارای اهمیتی باشد از آن همه خونریزی و غارتگری و بی‌سدد برجای نماند و در همان سرزمینهای که در زیر سم اسب مغول و هون بایستی بقول آتیلک دیگر سبزه و گیاه نروید شاخهای برومند تمدن و معرفت سایه افکن گردیده و تمام جهان و جهانیان و حتی اخلاف همان هونها هم از تمتعات عالی خود بهره‌مند ساخت و فرموده پیمبر پارسی زردشت بزرگ صادق آمد که همیشه فتح و فیروزی با نور و روشنائی خواهد بود چنانکه شاعر معاصر (۲) گفته:

و خورشو اشو زرتشت در زند چنین فرمود

کاهرمین ابا هرمن دیک چند شود بیجان

بر لشکر اهرمین آسب و گزند اقتد

آنگاه برافرازد پرچم سپه یزدان.

* * *

در همان ایامی که مقاله فوق بیان رسیده بود در روزنامه‌های برلین در تحت عنوان «کشف تابوت آتیلک» اخباری دیده شد حاکی بر آنکه در همین اوقات اخیر در قصر رودخانه آرانکا (۳) در نزدیکی ناگی سنت میکلوس (۴) از خاک مجارستان تابوتی پیدا شده که با احتمال قوی تابوتی است که جسد آتیلک را در آن گذاشته و بجاک سپرده‌اند. این تابوت عبارت بوده است از یک تابوت طلائی که خود آن نیز در تابوت ثانوی دیگری که از نقره بوده گذاشته شده بوده است و باز این تابوت نقره نیز در تابوت تالی بوده که از آهن بوده است. تیری مورخ سابق الذکر فرانسوی برحسب ذکری که زوردانس مورخ گوتی قدیمی سابق الذکر که تقریباً یک قرن قبل از اسلام میزیسته در کتاب خود از ترتیبات کفن و دفن آتیلک نموده مینویسد که چون آتیلک مرد پس از مراسم عزاداری جسد او را در تابوتی از طلا گذاشته و آن تابوت را نیز در تابوت دیگری از نقره گذاشتند و سپس هر دو تابوت را در تابوت سوئی از آهن جای دادند و این عمل دلالت بر آن داشت که آتیلک بزور شمشیر آهنین رعایا و اتباع خود را از طلا و نقره مستغنی داشت. و آنگاه آب رودخانه را برگردانده و در مجرای آن در جایی که احدی را جز پسران و مقربان در بار بر آن و قوفی نبود قبر وسیعی کنده و تابوت را محض آنکه از دستبرد زمانه و ابناء زمان مصون و در پناه باشد در آنجا جای داده و روی آنرا با سنگ

Idogo (۱)

آقای میرزا ابراهیم خان پور داود رشتی.

Nagy-Szent-Miklos (۴) Aranka (۳)

Amédée Thierry: Histoire d'Attila et de ses Successeurs, Vol. 1, P. 221 (۱)

Hofburg (۲) Atilafund (۳) Busento (۴)

(۵) انتخاب لغت پول برای اینست که جامعیت دارد و شامل اسکناس و بانکنوت

و هر نوع مسکوکات میشود.

شده‌اند ولی هر قسم باشد جستن از این خسارت کار آسانی نیست و محملاً آن ولو بتدریج هم باشد تا اندازه‌ای اجباری است مثل اینکه سابقاً در آلمان مقدار زیادی شمش و مبالغ خطیری مسکوکات نقره موجود بود که همین ملاحظه آنها را در سنه ۱۲۹۰ آب نموده قسمتی را تبدیل به طالز که آلمان تنها سکه مقیاسی نقره در آلمان بود نموده و تقریباً ۱۴۳۹ خروار آترا بخارج فرستادند که بتدریج بفروش برسد معهداً تا سنه ۱۲۹۷ چهل و چهار میلیون مارک خسارت فروش نقره متوجه دولت آلمان گردید و بالاخره طالرها هم که آخرین یادگار مسکوکات مقیاسی نقره در آلمان بود تا سنه ۱۳۲۶ بکلی منسوخ گردیده و مسلم شد که این تدابیر جز اتلاف و وقت ثمر دیگری ندارد بالاخره از ۱۵ رمضان ۱۳۲۶ دولت آلمان رسماً مقیاس طلای مطلق را اختیار نمود. مقیاس متایل بطلا در ممالک متحدۀ آمریکا و مکزیک و هلاند هنوز معمول است.

۳- مقیاس نقره آنست که در مملکتی فقط یک یا چند سکه نقره سکه یا مسکوکات مقیاسی باشد. مقیاس نقره تابع شرایط ذیل است:
اولاً از مسکوکات نقره آنچه آنهاست که سکه مقیاسی هستند باید در تمام مملکت مورد قبول و باندازه قیمتی که برای آن رسماً معین شده است نقره داشته باشند جز مختصری که بابت حق الضرب باید موضوع بشود.
ثانیاً با بودن مقیاس نقره مسکوکات طلا دارای مظنه ثابتی نیستند بلکه مثل جنس خرید و فروش میشوند: (اشرفی، پنجهزاری طلا، دوهزاری طلا).

ثالثاً ضرب سکه باید آزاد و هر فردی حق داشته باشد مسکوکات نقره را تبدیل بشمش و شمش را توسط ضربخانه مملکتی با مختصر حق الضربی تبدیل بیول مقیاسی نماید.

بدیهی است هر مملکتی با مقتضیات وقت در تغییر شرایط مقیاس خود مختار و آزاد است مثل اینکه از سنه ۱۲۷۳ تا ۱۲۸۸ مقیاس نقره در آلمان معمول ولی حق سکه زدن آن منحصر بدولت و فقط حق خرید نقره آزاد بوده است مقیاس نقره نیز از سنه ۱۲۶۶ تا ۱۲۹۰ در هلاند و از ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۸ در بلژیک معمول بوده و در مملکت ما و هندوستان انگلیس هنوز هم مرسوم است ولی دولت انگلیس از چندی باینطرف سعی دارد در هندوستان مقیاس طالرا جانشین مقیاس نقره نماید و ترتیباتی در مسکوکات آنجا داده است که با شرایط مقیاس طلا تفاوت زیادی ندارد. در ایران هم دو سه سال قبل زمزمۀ اتخاذ مقیاس طلا بوده و بواسطه ترقی موقتی که نقره داشت ممکن بود آسانی بدون محمل خسارت بزرگی مقیاس نقره را وداع نمود ولی حالا گویا دیگر کسی باین خیال نیست.

در بعضی از ممالک که رسماً دارای مقیاس مختلط بوده‌اند بواسطه آزاد بودن حق سکه زدن باندازه‌ای پول نقره فراوان شد که بتدریج تناسب معین بین طلا و نقره از میان رفت و بالطبع دارای مقیاس طلا یا نقره شدند. مثلاً دولت مکزیک از سنه ۱۲۸۴ مقیاس مختلط داشت و نسبت طلا بنقره مثل نسبت یک بشازده و نیم معین شده بود ولی بمجرد اینکه قیمت نقره از تناسب مزبور تنزل نمود مردم مسکوکات طالرا نگاه داشته و پول نقره فوق العاده زیاد شد بسمی که دولت مکزیک از بیم ور شکست شدن در سنه ۱۳۲۲ آزادی سکه زدن را موقوف و

چندی بعد از آن منافعی عاید دولت و ملت ایران گردید ولی از آنجائیکه ممکن است بعضیها از این منافع موقتی فریب خورده این مقیاس را مفید و محترم شمرده مضرات نهایی عمده آترا از نظر دور و بنظم مسکوکات و اتخاذ مقیاس صحیحی که با اصول اقتصادی بین المللی موافق باشد عطف توجهی نمایند لهذا شاید در توضیح مقیاسهای مختلفه و فواید و مضرات آنها نگارش این مختصر برای تذکارتی مناسب نباشد.

مقصود از پولهای مقیاسی و مسکوکات اساسی پولهایست که قیمت آن قانوناً معین و در مملکتی بدون حقوق صرافی رائج و قبول آن در آتملکت اجباری باشد خواه جنساً طلا باشد یا نقره یا کاغذ و اعم از اینکه مطابق قیمتی که رسماً برای آنها معین شده است ارزش داشته باشد یا خیر. مقیاسهای مختلفه بر شش نوعند: (۱) مقیاس طلای مطلق - (۲) مقیاس متایل بطلا - (۳) مقیاس نقره - (۴) مقیاس مختلط - (۵) مقیاس متوازی - (۶) مقیاس کاغذ.

۱- مقیاس طلای مطلق آنست که در مملکتی یک یا چندین سکه معین مخصوصی از طلا پول مقیاسی محسوب و بموجب قانون شناخته شده باشد. با داشتن مقیاس طلا هر کسی آزاد است هر قدر طلا برای سکه زدن بضرابخانه بدهد و تبدیل بمسکوکات مقیاسی نماید و اگر برای سهولت امر بانکوت (اسگناس) در آتملکت رائج باشد هر بانکی باید موظف باشد بمجرد رؤیت آترا تبدیل به پول طال نماید. در ممالکی که دارای مقیاس طلا هستند قبول پول نقره فقط باندازه‌ای که کمتر از واحد پول مقیاسی طلا باشد اجباری است نه بیشتر و معمولاً مسکوکات نقره در این ممالک مطابق قیمت رائج خود نقره ارزش ندارند مثل اینکه سه مارکیهای آلمان (طالر) در حقیقت بیش از یک مارک و ۳۰ فیک ارزش نداشت ولی مسکوکات مقیاسی طلا حتماً باید باندازه قیمت رائج خود حقیقه دارای طلا باشند و فقط مبلغ خیلی قلبی برای اجرت ضرب محسوب شده باشد.

ممالک انگلیس، آلمان، استرالی، آفریقای جنوبی، رومانی، مصر، فلاند، اسکانندیناوی و اخیراً هم روسیه رسماً و قانوناً دارای مقیاس طلای مطلق هستند. اگرچه از ابتدای جنگ اخیر اروپا باینطرف مسکوکات طلا در تمام ممالک کیاب و در اغلب جاها از طرف دولت برچیده شده است و تکلیف بانکها در تبدیل اسگناس بیول طلا بموجب حکم دولت عجالتاً برداشته شده و نظر بمقتضیات وقت تغییراتی در شرایط مقیاسها احداث شده است ولی انیمسائل موقتی است و ثبوتی نمی تواند داشته باشد
۲- مقیاس متایل بطلا آنست که در مملکتی مقیاس مسکوکات اساساً طلا و حق ضرب طلا آزاد باشد ولی حتماً یک قسم از مسکوکات نقره هم سکه مقیاسی محسوب شود مثل اینکه در آلمان تا ۲۲ شعبان سنه ۱۳۲۵ طالز نقره رواج و جزو مسکوکات اساسیه محسوب بود. در ممالکی که این مقیاس معمول است غالباً در داخله با پول نقره و با خارجه با مسکوکات طلا معامله میشود. در واقع میتوان گفت مقیاس متایل با مقیاس طلا چندان فرق ندارد و مقدمه‌ایست برای شروع بمقیاس طلا چه دولتی که باطناً مایلند مقیاس طلای مطلق اختیار کنند چون اگر یکدفعه تمام نقره موجودی خود را بفروشد بواسطه تنزل قیمت نقره و شکستی که این اقدام بمظنه نقره وارد میکند دوجار خسارت زیاد میشوند از اینجهت بمقیاس متایل متوسل

منتشر شده بود عند المطالبه تبدیل بطلا نماید و قرار شد بانک پیش از سیصد ملیوت مانا فوق میزان طلای موجودی اسکناس چاپ نکند. از آن تاریخ بعد دولت روسیه مقیاس طلارا اختیار کرد و دولت حالیه روسیه هم هنوز قرار تازه‌ای رسماً در اینخصوص نگذاشته است ولی فعلاً بواسطه اثرات جنگ در روسیه هم مثل اغلب ممالک دیگر اثری از رایج بودن پول طلا نیست.

توضیح اینسئله مختصراً در اینجا زائد نیست که پول کاغذی یا بانکنوت دو کله‌اند که معمولاً در میان مردم مترادف محسوب میشوند و در حقیقت بایکدیگر اصلاً تفاوت کلتی دارند. آنچه در مقیاس کاغذی ذکر شد مقصود پول کاغذ است که اعتبار آن فقط منحصر بضمانت دولت است و حال آنکه بانکنوت در واقع براتی است که بانک در مقابل اعتبار خود میدهد و در مقابل آن مبلغ معینی طلا یا نقره یا سهام و اسناد معتبر و غیره در خزانه خود دارد و موظف است بمحض رؤیت تبدیل بیول طلا یا نقره نماید.

اگر چه در ضمن بیان مقیاسها اشاره بتاریخ آنها شد ولی مهذا ذکر چند سطر را جمع بنشو و نمای هر یک از آنها در ممالک مختلفه با ذکر سنوات بیورد نیست.

چنانکه گفته شد انگلیس از ۶۷۴ تا سنه ۱۰۷۵ دارای مقیاس مختلط بوده از سنه ۱۰۷۵ تا ۱۱۳۰ مقیاس نقره را قبول کرد و بعد مجدداً صد سال تمام مقیاس مختلط در انگلستان رواج یافته و از آن تاریخ بعد یعنی از ۱۲۳۲ مقیاس طلارا اختیار نمودند. در فرانسه از سال یازدهم جمهوریت (یعنی سنه ۱۲۱۸) رسماً مقیاس مختلط معمول است ولی قسمی که در ضمن بیان مقیاس متایل ذکر شد حالا در حقیقت مثل بلژیک و ایتالی و سویس دارای مقیاس متایل شده است.

سابقاً در ایالات متحده آمریکا یکی شمالی بموجب قانون مسکوکات سنه ۱۲۰۷ مقیاس مختلط بتناسب $\frac{1}{10}$ معمول و در سنه ۱۲۵۳ قیمت طلا ترقی و نسبت آن به نقره مثل نسبت یک به شانزده شد. پنجاه سال بعد نقره بتدریج کم شد تا اینکه فقط پول طلا در جریان باقی ماند در سنه ۱۲۷۸ بواسطه جنگ‌های داخلی و قلت طلا و نقره مقیاس کاغذی بجای مقیاس طلا معمول گردید در سنه ۱۲۹۰ برای رواج مقیاس کاغذ سکه زدن دولار بکلی ممنوع و اینسئله باعث نقصان قیمت نقره گردید. محض رفع آن قرار شد افلاً ماهی دو میلیون دولار نقره سکه شود و مجدداً دولار سکه اساسی و مقیاسی تعیین گردد مهذا فائده بخشید و قیمت نقره در تزلزل خود باقی ماند تا اینکه بالاخره بعد از این امتحانات و زدوخوردها دولار طلا مقیاس مسکوکات آمریکا شمالی گردید و ضمناً دولار نقره هم رایج ماند.

در هندوستان هنوز مقیاس نقره معمول است و تا سنه ۱۳۱۱ ضرب سکه نقره در مقابل اخذ مختصر حق الضربی آزاد بود ولی از آن بعد موقوف و قیمت یک رویه شانزده پنس (۱) انگلیسی معین گردید و چون آزادی حق سکه زدن برداشته شد قیمت رویه همیشه در تزلزل است و دولت انگلیس سعی دارد که بتدریج مقیاس مسکوکات هندوستان را طلا قرار دهد.

(۱) Pence - هر دوازده پنس معادل یک شلینگ و هر ۲۰ شلینگ مساوی یک لیره انگلیسی است.

شروع باختیار مقیاس طلا نمود. همین قسم ژاپون از سنه ۱۲۹۵ دارای مقیاس مختلط بود و بتدریج خود را مقابل مقیاس نقره دید و بمقیاس طلا ملتجی شد. در مملکت چین تا سنه ۱۳۰۷ فقط پول مسی رایج بود و برای معاملات بزرگ نقره بوزن در داخله داد و ستد و با خارجه با دلار مکریکی معامله میشد اما از سنه مزبور آنها هم سکه نقره برای معاملات خارجی تأسیس کرده‌اند.

۴ - مقیاس مختلط آنسکه در مملکتی مسکوکات معینی از طلا و نقره هر دو وجوهات مقیاسی باشند و حق ضرب هر دو آنها آزاد و تناسب مخصوص مابین طلا و نقره بموجب قانون معین شده باشد. ممالک فرانسه، بلژیک، ایتالیا، سویس و یونان که راجع بمسکوکات در سنه ۱۲۸۲ معاهده‌ای بایکدیگر بسته‌اند ظاهراً دارای مقیاس مختلط‌اند ولی بواسطه تغییراتی که بتدریج در شرایط آن داده‌اند از قبیل انحصار حق ضرب سکه بدولت میتوان در حقیقت گفت دارای مقیاس متایل بطلا هستند و در واقع سکه بیست فرانکی طلا پول مقیاسی آنها شده است. در اینممالک رسماً نسبت طلا بنقره مثل نسبت یک به ۱۵٫۶ گردیده است. حق آزاد بودن ضرب طلا و نقره در ممالک دارای مقیاس مختلط برای آنست که اگر این حق منحصر بدولت بود مردم گاهی طلا و گاهی نقره را بسته بمجودات آیام و مظنه آنها مورد اعتبار قرار داده یکی را جمع و دیگری را از خود دور مینمودند و باین دلیل جریان و تناسب معین از میان میرفت. و از اینرو باید مسکوکات مقیاسی همیشه باندازه قیمت معینه خود ارزش داشته باشند. مقیاس مختلط بواسطه اشکالات حفظ شرایط آن حقیقه در هیچ جا مجری نیست و فقط رسماً چنانچه اشاره شد در بعضی ممالک موجود است ولی قطعاً باید دانست که با توسعه آزادی تجارت و آزادی افراد تناسب ثابتی بین طلا و نقره جبراً نمیتوان نگاه داشت و طبعاً طلا بیشتر طرف اعتبار واقع میشود.

۵ - مقیاس متوازی وقتی است که مسکوکات طلا و نقره هر دو رسماً از مسکوکات مقیاسیه محسوب شوند بدون اینکه نسبتی مابین آنها قانوناً معین شده باشد و هر دو قسم از مسکوکات مستقلاً طرف معامله و قبول طلا بجای نقره و نقره بجای طلا اجباری نباشد حتی قسمی که در اسناد و غیره مخصوصاً ذکر شود فلان مبلغ باید بطلا یا بیول نقره پرداخته شود. مقیاس متوازی فقط مدت قلیلی در ایتالیا معمول بود و حالا بکلی دیگر از میان رفته است.

۶ - مقیاس کاغذ آنست که بموجب قانون پول کاغذی پول مقیاسی محسوب و قبول آن اجباری باشد و دولت یا بانک موظف نباشد آنرا تبدیل بطلا یا نقره نماید. این ترتیب در هر مملکتی که معمول بوده خسارت زیادی باهالی رسانیده و همیشه باعث نقصان اعتبار آندولت گردیده است. اساس آسینات‌های (Assignat) فرانسه در شورش اول نیز مبنی بر همین ترتیب بوده و چنانکه همه میدانند بالاخره عاقبت آن پولها بجائی رسید که در عوض کاغذ بدیوار می‌چسبیدند. دول ایتالیا و ایالات متحده آمریکا تا اواخر قرن سیزدهم دازای مقیاس کاغذ بوده‌اند. همینطور در روسیه مقیاس کاغذ تا اواسط قرن سیزدهم معمول بوده و بالاخره دولت بموجب قانون ۲۸ رجب ۱۳۱۴ بمعهده گرفت ۱۱۲۶ میلیون منات کاغذی را که تا آنوقت

است زیرا یک سکه طلا تقریباً سی و هشت برابر سکه نقره قیمت دارد پس در شمردن یا تحویل گرفتن مسکوکات طلا سی و هشت مرتبه وقت کمتر تلف میشود و همین قسم سی و هشت دفعه فضا برای نگاهداری طلا کمتر لازم است. بموجب تجربیاتی که تا بحال در اغلب ممالک متمدنه شده است مقیاس طلا از هر حیث رضایت بخش بوده و طرف نسبت بمقیاس نقره نیست. با وجود این هستند جماعتی که طرفدار مقیاس مختلط بوده و امیدوارند روزی مقیاس نقره عالمگیر شود ولی تصور نیرود باین آرزوی خود نائل شوند زیرا اختیار نمودن مقیاس طلا تنها علت تنزل قیمت نقره نیست بلکه تکمیل و توسعه ماشین آلات برای تسهیل بدست آوردن نقره باعث ارزانی و فراوانی آن است و از طرف دیگر محصولات نقره را چنانکه طرفداران مقیاس مختلط متظرند نمیتوان در تحت تقشیر و میزری و یا انحصار صیغی در آورد زیرا اولاً نقره بیشتر در ممالکی یافت میشود مثل مکزیک و کالیفورنی و غیره که دارای دولت منظمی نیستند تا بتوانند از عهده انحصار و ترتیب معادن نقره برآیند ثانیاً نقره مثل آهن یا زغال سنگ نیست که معدن مستقلی داشته باشد بلکه فرع استخراج سرب و مس است که محدود کردن استخراج آنها برای جلوگیری از تنزل قیمت نقره باعث ضرر کلی صنایع و تجارت و تمدن دنیا است.

مالکی که دارای مقیاس نقره هستند معامله آنها با خارجه مشکل و گران است چه دول خارجه بواسطه بیم از تنزل قیمت نقره همیشه در معاملات نسبه یا دادن قرض تنزیل فوق العاده مطالبه میکنند.

نظر بآنچه گفته شد و بدلائلی که ذکر شد مقیاس نقره هر قدر نقره بیشتر تنزل کند بیشتر باعث خسارت است. مقیاس مختلط هم بواسطه عدم امکان تعیین و حفظ تناسب بین نقره و طلا غیر قابل الاجرا بنظر میاید و گاهی سبب کیاب شدن نقره و گاهی باعث کیاب شدن طلا میشود. مقیاس کاغذ هم چنانکه دیده شد باعث تنزل تجارت و ضرر افراد و بی اعتبار شدن صندوق دولت است. پس مقیاسی که با حوائج امروزه موافقت داشته و بتواند مملکتی را با تجارت بین الملل و منافع آن شریک کند هانا مقیاس طلا است. اگر چه طرفداران مقیاس مختلط میگویند یکرزوی طلا باندازه ای نادر میشود که برای رفع احتیاج باید مسکوکات نقره بیان آید و اگرچه معلوم نیست این مسئله حتی الوقوع باشد و امید است بتدریج معادن طلا توسعه یافته و باندازه رفع احتیاج همیشه طلا موجود باشد ولی معهدا این پیش بینی که متخصصین کرده اند بعید نیست و شاید واقعا اگر معادن جدیدی کشف نشود تا پنجاه الی صد سال دیگر معادن طلای موجوده بآنها برسد و اجباراً مقیاس مختلط مقیاس بین المللی واقع شود ولی تا وقتیکه این مسئله محقق نشده است. قبول مقیاس مختلط یا مقیاس دیگری بجای طلا صلاحیت ندارد و بعلاوه پراکنده بودن قریب هزار و پانصد میلیون لیره که در ممالک دنیا بدون تناسب با مقیاسهای مختلفه منتشر است مانع مییاشد که تمام ممالک در تغییر مقیاس طلا و قبول مقیاس مختلط بیک اندازه ذی نفع و مساعد باشند پس علی ای حال فرضاً هم که بالأخره دنیا مجبور باختیار مقیاس مختلط شود بهتر این است که هر چه زودتر تمام ممالک بتمدنه مقیاس خود را مبدل بمقیاس طلا نموده و قبلاً همگی دارای یک بنیان و مقیاس شوند. بعد از داشتن مقیاس متحد الشکلی تبدیل یا تغییر آن اشکالی نخواهد داشت و اگر همه بیک اندازه ذی نفع باشند یقیناً بهتر پیشرفت میکند.

عباس اعظم السلطنه.

زاپون در سنه ۱۳۱۵ مقیاس نقره را موقوف و مقیاس طلا قبول کرده است. هینطور دولت روس از سنه ۱۲۹۷ مقیاس کاغذ را موقوف و رسماً مقیاس طلا را اختیار نمود.

بعد از تعریف مقیاس های مختلفه و ذکر مختصری از تاریخ آنها بموقع است که مختصری هم از نظریات راجعه بااساس مقیاسها ذکر شود:

بهترین و طبیعتی ترین مقیاسها آنست که یک فلزی (طلا یا نقره) اساس مسکوکات تمام ممالک و وجه رایج بین المللی باشد زیرا اختلاف در مقیاس ها برای ممالکی که با یکدیگر طرف تجارت هستند همیشه باعث اشکالات و در محاسبه موجب نفع یکطرف و خسارت طرف دیگر میشود. یکی از دلایل اساسی که ممالک متمدنه بتدریج مقیاس نقره را تبدیل بمقیاس طلا می نمایند برای هم رنگ شدن با جماعت و نزدیک شدن قبول و تأسیس سکه واحد العیار است. دیگر علت تبدیل مقیاس نقره بطلا آنست که اولاً بدست آوردن طلا بدرجات دشوارتر و طلا اساساً کمیابتر است و هم از حیث استحکام و دوام و خصایص دیگر بر نقره ترجیح دارد چه قیمت طلای موجودی در ممالک متمدنه از حیث شمش و مسکوکات هزار و چهارصد و چهل میلیون لیره انگلیسی تخمین شده است و حال آنکه حاصلات نقره تقریباً سالی معادل پنجاه ملیون لیره انگلیسی اضافه میشود ثانیاً قیمت طلا کمتر از نقره قابل تنزل است.

احصائیه ذیل مبرهن میسازد که قیمت نقره تا قبل از جنگ دائماً در نقصان بوده است چه در سنه ۱۵۰۱ تا ۱۵۲۰ میلادی (۹۰۷-۹۲۷ هجری) قیمت یک کیلوگرام طلا معادل ده کیلوگرام و سه ربع نقره بوده و در سنه ۱۹۱۰ میلادی یک کیلوگرام طلا باندازه ۳۸ کیلوگرام و کسری نقره قیمت داشته و بمبارة اخری قیمت طلا آنوقت یازده برابر نقره بوده و در سنه ۱۹۱۰ میلادی سی و هشت برابر شده و در واقع چهار برابر بتدریج از قیمت نقره کسر شده است:

صورت احصائیه تناسب قیمت طلا بقیمت نقره از سنه ۱۵۰۱ الی

۱۹۱۰ میلادی

سالهای میلادی	یک کیلو طلا چند کیلو نقره بوده	سالهای میلادی	یک کیلو طلا چند کیلو نقره بوده	سالهای میلادی	یک کیلو طلا چند کیلو نقره بوده
۱۵۰۱-۲۰	۱۰,۷۵	۱۷۴۱-۶۰	۱۴,۷۵	۱۸۰۱-۱۰	۱۱,۵۰
۱۵۲۷-۴۰	۱۱,۲۵	۱۷۶۱-۸۰	۱۴,۷۲	۱۸۰۱-۲۰	۱۱,۸۰
۱۵۴۱-۶۰	۱۱,۳۰	۱۷۸۱-۱۸۰۰	۱۵,۰۹	۱۸۲۱-۳۰	۱۲,۲۵
۱۵۶۱-۸۰	۱۱,۵۰	۱۸۰۱-۱۰	۱۵,۶۱	۱۸۳۱-۴۰	۱۴,۰۰
۱۵۸۱-۱۶۰۰	۱۱,۸۰	۱۸۱۱-۲۰	۱۵,۵۱	۱۸۴۱-۵۰	۱۴,۵۰
۱۶۰۱-۲۰	۱۲,۲۵	۱۸۲۱-۳۰	۱۵,۸۰	۱۸۵۱-۵۰	۱۵,۰۰
۱۶۲۱-۴۰	۱۴,۰۰	۱۸۳۱-۴۰	۱۵,۷۵	۱۸۶۱-۸۰	۱۵,۰۰
۱۶۴۱-۶۰	۱۴,۵۰	۱۸۴۱-۵۰	۱۵,۸۳	۱۸۷۱-۸۰	۱۵,۰۰
۱۶۶۱-۸۰	۱۵,۰۰	۱۸۵۱-۵۰	۱۵,۴۱	۱۸۸۱-۱۷۰۰	۱۵,۰۰
۱۶۸۱-۱۷۰۰	۱۵,۰۰	۱۸۵۶-۶۰	۱۵,۳۰	۱۷۰۱-۲۰	۱۵,۲۱
۱۷۰۱-۲۰	۱۵,۲۱	۱۸۶۱-۶۵	۱۵,۴۰	۱۷۲۱-۴۰	۱۵,۰۸
۱۷۲۱-۴۰	۱۵,۰۸	۱۸۶۶-۷۰	۱۵,۵۵		

از اینرو مالکی که مایل بتغییر مقیاس نقره هستند هر قدر تأمل و تأخیر کنند بیشتر متضرر میشوند. علت سوم ترجیح طلا بنقره در مقیاسها صرفه وقت

روزنامه نگاری در ایران

در قرن سیزدهم

«روزنامه ایام در همه بیدا است
اگر بخوای دانست روزنامه بخوان»
[عصری]

در شماره گذشته شرحی راجع بتاریخ طبع و چاپخانه در ایران
نکاشتیم و وعده کردیم در دنباله آن مقاله تاریخ روزنامه را در ایران
شرح بدهیم اینک چند کلمه در این باب:

لفظ «روزنامه» و «روزنامه» از قرون اولی اسلام در ایران مستعمل
بوده و در کتب قدیم بنظر میخورد. در نیمه الدهر تعالی لفظ روزنامه
مکرر آمده. در آن کتاب [چاپ دمشق جلد دوم صفحه ۱۰ و ۱۱] این
عبارت درج است: «ما أخرج من کتاب الروزنامه للصاحب الی
ابن العمید مما ینطق بملح اخبار المهلبی» و باز در جای دیگر از آن کتاب
شرحی از کتاب روزنامه صاحب بن عبّاد منقول است باین عنوان «فصل
من کتاب الروزنامه ایضاً». در معجم الأدباء یاقوت حموی [جلد
پنجم صفحه ۴۴۰] نیز شرحی از «کتاب الروزنامه لای القم اسمعیل
بن عبّاد» (۱) نقل میکند و از همه اینها صریحاً معلوم میشود که روزنامه در
آن اوقات بمعنی کتاب شرح گذارش روزانه و یادداشت وقایع هر روزه
که حالا بزبان فرانسه ژورنال (journal) میگویند بوده. باز در معجم
الأدباء [جلد ششم صفحه ۳۲۲] از قول عبد الله بن عبد المجید بن شیران
نقل میکند که او نقل کرد که محمد بن احمد مفتح پیش پدر من میآمد و من
طفل بودم و او را میدیدم در اهواز و او بیدرم مراسم مینوشت و مدح
پدرم را هم بشعر نموده و من این مدایح را جمع کرده بودم ولی در موقع
دخول ابن ابی لیلی باهواز گم شد و روزنامه‌های آنها بغارت رفت (۲).
وفات عبد المجید بن شیران و مفتح هر دو در سنه ۳۲۷ واقع شده. این
اصطلاح ظاهراً بعدها در ایران بهمین معنی باقی مانده و در قرون اخیر
بمعنی راپرتهای وقایع نگاران دولتی که از ولایات اخبار جاریه را بدولت
مینوشتند و بجای «صاحب البرید» های قرون اولی اسلام بودند استعمال
میشده چنانکه در روزنامه «وقایع اتفاقیه» که در عهد وزارت میرزا تقی
خان امیر نظام و بعد از آن نشر میشد تمام اخبار ولایات ایران را بعنوان
«در روزنامه تبریز نوشته اند» و در «روزنامه» نهادند مینویسند» درج
میکند که مقصود وقایع خبر نگاران رسمی است (نه روزنامه چایی).

اولین روزنامه فارسی که بسیاق جرائد فرنگستان چاپ شده بطور
تحقیق معلوم نیست کدام بوده. در کتاب «مطبعه خارج از فرنگستان» (۳)
که در شماره گذشته ذکرش گذشت در ذیل ماده دهلی (پایتخت قدیم
هند) ذکر شده که روزنامه هفتگی «اکبر ایرانی» [یا «اخبار ایرانی»] (۴)
در سنه ۱۷۹۸ میلادی (۱۳-۱۲۱۲) در آن شهر منتشر بوده است که
در صورت صحت احتمال کلی دارد که این روزنامه فارسی بوده است چه
دهلی در سنه ۱۲۱۸ بدست انگلیسها گذشته و پیش از آن مشکل است که

(۱) مقصود در هر دو جا صاحب بن عبّاد وزیر مشهور آل بویه و متوفی سنه ۳۸۵
است.

(۲) در نسخه چایی لندن «و نهبت ژورنامتها» ثبت شده و طابع کتاب در حاشیه
حدس زده که شاید اصل عبارت «دورنامع ما فیها» بوده یعنی خانهای ما با آنچه در
آنها بود ولی ظاهراً اینست که مقصود «روزنامتها» است یعنی یادداشتها و روزنامهها.
(۳) The Persian Akbar (۴) L'imprimerie hors l'Europe

روزنامه انگلیسی در آنجا دایر بوده باشد و ممکن است اسم آن روزنامه
«اخبار فارسی» بوده که در املائی فرنگی تصحیف شده و «اخبار»
در هندوستان روزنامه‌ها گویند.

اولین روزنامه که در خود ممالک ایران دایر شده روزنامه‌ایست که
در اواسط قرن سیزدهم در طهران تأسیس شده و نمونه‌ای از مندرجات آن
در شماره ۳ از سال گذشته کاوه درج شده. فقط خبری که برای ما از
این روزنامه مانده عبارتست از آنچه در «مجله انجمن پادشاهی آسیائی» (۱)
انگلیسی (جلد پنجم سنه ۱۸۳۹ میلادی) درج شده. در آن مجله شرحی
در تحت عنوان «روزنامه ایرانی» مینویسد و یک شماره از روزنامه منطبعه
طهران را عیناً بدون دخل و تصرف بخط فارسی از اول تا آخر نقل و درج
کرده و بعد ترجمه انگلیسی آنرا ملحق مینماید و برای توضیح جزئیات آن
یک مقدمه بزبان انگلیسی مینویسد که خلاصه مفاد آن از اینقرار است:
«ذیلاً صورت یک روزنامه فارسی که در طهران با چاپ سنگی طبع
شده محض نشان دادن نمونه‌ای از ترقی سیاسی ایرانیان درج میشود.
چاپخانه بتازگی در ایران داخل شده و این روزنامه چند سالست که در
تحت مدیریت میرزا صالح دایر شده. مشار الیه یکی از وزرای اعلیحضرت
شاه است و بیک مأموریت سیاسی (۲) بانگلستان فرستاده شده بود. اصل
این روزنامه در دو ورق بزرگ چاپ میشود فقط در یک روی ورق
(یعنی پشت هر ورق سفید میماند) و با خط خوانا و پیکیده بهم نوشته
شده و بالای آن نشان شیر و خورشید ایرانی است.»
بعد از این تفصیل عین متن روزنامه درج شده که اینطور شروع
میشود:

اخبار و وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ *
در دار الخلافه طهران انطباق یافته *
اخبار ممالک شرقیه *

در ذیل این عنوان اخبار طهران و سایر ولایات ایران را درج میکند
و بعد در تحت عنوان «اخبار ممالک غربیه» اخبار اروپا و عثمانی را شرح
میدهد و جملاً با عنوانهای مقالات مشتمل بر ۲۱۷ سطر است از سطور
ذیل که محض نمونه از مندرجات آن چند سطر درج میشود:

«دار الخلافه طهران * عالیجه مقرب الخاقان خدا داد خان از سفارت
اسلامبول معاودت نمود نامه از اعلیحضرت سلطان محمود بحضور
اعلیحضرت شاهنشاهی آورد از آنجا که سفارت مشارالیه مستحسن
رای جهان آرای شهر یاری افتاد بعد از تبلیغ نامه و عرض مراتب
ماموریت خود خاطر مبارک از او خر سند گردید و پایه اعتبار عالیجه
مشار الیه با علی مدارج رسید و او را بوزرات خوی مفتخر و سرفراز
(۳)»

در طی مندرجات لفظ «روزنامه» بآن اطلاق شده ولی اسم مخصوص
روزنامه معلوم نیست و یا اصلاً نداشته. از مختصر شرحی که از مقدمه
انگلیسی مجله انجمن آسیائی نقل شد استنباط میشود که این روزنامه فارسی چند
سال پیش از سنه ۱۲۵۳ تأسیس و دایر شده و در اینصورت ابتدای ظهور آن
در اواخر عهد فتحعلی شاه واقع میشود. این شماره که نمونه‌ای از آن درج

روزنامه در تبریز انتشار یافته (۱). یک نسخه روزنامه فارسی با نام «آذربایجان» در کتابخانه دولتی برلین محفوظ است که صفحه اول ندارد ولی از مطالب آن صریحاً استنباط میشود که بتاريخ اوایل سنه ۱۲۷۶ چاپ شده (۲) و خیلی محتمل است که این روزنامه «آذربایجان» همان روزنامه‌ای باشد که روزنامه وقایع اتفاقیه بدان اشاره میکند که در سنه ۱۲۷۵ دایر شده. روزنامه «مفرح القلوب» فارسی و هفتگی در بندر کراچی هندوستان ظاهراً در سنه ۱۲۷۲ شروع بانشر کرد. روزنامه مزبور مدت مدیدی بیشتر از ۳۰ سال مرتباً مداومت داشته و اوایل ناشر آن محمد شفیع نام بوده (سنه ۱۲۸۲) و در سال ۱۲۸۷ امضای میرزا مخلص علیصاحب داشته و در حدود سنه ۱۳۰۲ ناشر آن میرزا محمد جعفر و میرزا محمد صادق مشهدی (قونسول ایران در کراچی) بوده‌اند.

روزنامه قدیمی دیگر که در طهران نشر شد موسوم بود به «روزنامه دولت علیّه ایران» که از سنه ۱۲۷۷ باخطرف باهتام و مباشرت میرزا ابو الحسن خان غفاری نقاش کاشانی ملقب بصنیع الملک (۳) دایر شد و مصور بود بتصاویری که خود صنیع الملک مینساخت و این روزنامه در واقع دنباله همان روزنامه رسمی «وقایع اتفاقیه» بود که ظاهراً تا شماره ۴۷۴ بان اسم و پس از آن از وقتی که اداره آن بصنیع الملک واگذار شد بان اسم جدید نشر گردید.

دیگر روزنامه دولتی و روزنامه علمی (روزنامه علمیه دولت علیّه ایران) و روزنامه ملتی است که هر سه در اداره علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه و در جزو اداره دارالفنون نشر میشد. «روزنامه علمیه دولت علیّه ایران» در سنه ۱۲۸۰ (۴) و روزنامه ملتی در سنه ۱۲۸۳ دایر شد (۵). ابتدای انتشار روزنامه دولتی بنگارنده معلوم نیست و ظاهراً دنباله «روزنامه دولت علیّه ایران» نبوده چه «روزنامه دولت علیّه ایران» اقلّاً تا اواخر سال ۱۲۸۷ دایر بوده در صورتیکه روزنامه دولتی اقلّاً از سنه ۱۲۸۳ منتشر میشده. در اوایل سال ۱۲۸۸ که اداره روزنامجات دولتی از علیقلی میرزا گرفته شده به محمد حسن خان [اعتقاد السلطنه] واگذار شد روزنامه دولتی موسوم شد به «ایران» و شماره اول آن در ۱۱ محرم از آن سال نشر شد نویسنده روزنامه ابتدا میرزا علی خان تائبی و بعدها مرحوم میرزا محمد حسین ذکاء الملک بود. روزنامه «مرآت السّفر» هم که پس از چند

(۱) در شماره مورّخه ۱۳ رجب از سنه ۱۲۷۵ وقایع اتفاقیه گردید: «در این روزها حکم شده است که در تبریز روزنامه طبع شود که احوالات آذربایجان و غیره در آن نوشته شود» و در شماره مورّخه ۱۵ شوال از آن سال مینویسد: «از قراری که در روزنامه منطبعة دار السلطنه تبریز نوشته‌اند». در این سال یعنی ۱۲۷۵ ناصر الدین شاه به تبریز سفر کرده و عزیز خان سردار مکرزی حاکم آذربایجان شده است. (۲) مثلاً از ورد میرزا محمد حسین خان باسلامبول بسمت سفارت و مأموریت حسنعلی خان گروسی یاریس و روانه کردن ۴۲ نفر محصلین ایرانی پارویا شرح میدهند و خبری از روزنامه Presse d'Orient منطبعة اسلامبول مورّخه ۱۰ سپتامبر و ۱۳ صفر ترجمه میکنند.

(۳) میرزا ابو الحسن خان غفاری کاشانی نقاشی صنعت نقاشی را در فرنگستان تکمیل نموده و در اوایل سلطنت ناصر الدین شاه تقرب مخصوص یافته و نقاشی شد و در فن طبع نیز ماهر بود و بدین جهت کار مطبعه و روزنامه نیز بعدها بدو محول شد. مشار آله در سنه ۱۲۸۲ در سن پنجاه سالگی بمرض سکنه در گذشت.

(۴) شماره اول بتاريخ غرة شعبان از آن سال است. (۵) ابتدا در ۱۵ محرم از آن سال شماره اول با نام «روزنامه ملت سنیّه ایران» نشر شد و بعد منقطع گردید بعد از دو ماه باز بهمان عنوان نشر شد و شماره اول (که در واقع دوم بود) بتاريخ ۱۴ ربیع الاول آن سال نشر شد و از شماره سوم با نام «روزنامه ملتی» موسوم گردید و جفا ۳۴ شماره نشر شده و آخرین شماره آن مورخه ۲۰ جمادی الاخره سنه ۱۲۸۷ است.

شد قریب دو سال و نیم بعد از وفات فتحعلی شاه نشر شده. میرزا صالح شیرازی مؤسس و ناشر این روزنامه باغلب احتمال همان میرزا صالح شیرازی است که در شماره گذشته کاوه از اقدام او باوردن مطبعه پیران شرحی نگاشتیم.

بعد از این روزنامه اولی که نه از تاریخ تأسیس آن و نه انتهای انتشار آن خبر تحقیقی داریم ظاهراً دوّمین روزنامه که در مملکت ایران نشر شد روزنامه سُرّیانی موسوم به «زاراریت بار» است که در شهر اورمیه از بلاد آذربایجان از طرف مبشرین آمریکائی برای کلدانیهای ساکن آذربایجان بچاپ سربن نشر میشود و هنوز دایر است (۱). ظاهراً تلفظ صحیح اسم روزنامه اینطور است «زاریری دی باهرا» و شماره اول آن بتاريخ ۱۶ صفر سنه ۱۲۶۷ (مطابق غرة ماه ژانویه فرنگی سنه ۱۸۵۱ میلادی) نشر شده (۲). روزنامه مزبور ماهانه است.

سوّمین روزنامه ایرانی و دوّمین روزنامه فارسی «روزنامه وقایع اتفاقیه» است. شماره اول این روزنامه بتاريخ جمعه پنجم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۷ انتشار یافته. این روزنامه بحکم و تشویق میرزا تقی خان امیر نظام و مدیریت حاجی میرزا جبار تذکره چی و قونسول سابق ایران در بغداد و ملقب بناظم المهام (که پسر حاجی صفر علی خوئی و پدر میرزا جواد خان سعد الدوله حالیه بود) (۳) و مباشرت و مترجمی برجس صاحب (۴) دایر بود. میرزا عبد الله نامی نیز نویسنده روزنامه بود. بعد از این روزنامه جراید متعدده در طهران و تبریز دایر شده و تا آنجا که اطلاع داریم قدیمترین روزنامه‌ای که در ایران بعد از روزنامه «وقایع اتفاقیه» دایر شد روزنامه ایست که در تبریز منتشر گردیده و خبری از آن در شماره‌های سنه ۱۲۷۵ از وقایع اتفاقیه دیده میشود و از آن اشارات معلوم میشود در حدود ماه رجب و شعبان از سال مزبور این

(۱) یعنی تا وقتی که خبر از آن داشتیم. در سالهای اخیر بواسطه اغتشاش اوضاع آذربایجان خبری از هیئت آمریکائیان مقیم اورمیه نداریم. (۲) شماره ۱۲ روزنامه مزبور از سال شصت و دوم تاریخ غرة دسامبر سنه ۱۹۱۱ میلادی را داشت و از اینقرار این روزنامه باید در غرة ژانویه سنه ۱۸۵۰ میلادی تأسیس شده باشد (۳). (۳) حاجی میرزا جبار ظاهراً خودش مطبعه داشته و دارای اطلاعات خارجی نیز بوده. در سنه ۱۲۶۸ لقب ناظم المهامی و خدمت رسیدگی بامور معادن و کارخانهای بلور سازی باو محول شد.

(۴) Edward Burgess بقول هوتن شیندلر (در مکتوبی که بنگارنده سطور نوشته) از آن استادان و صنعتگران متعددی بود که «عباس میرزا نایب السلطنه از فرنگستان و خصوصاً از انگلیس خواسته و مستخدم ساخت و در حدود سال ۱۲۴۰ و یحتمل قدری قبل از آن به تبریز آمد» و ظاهراً در کار مطبعه تبریز بوده و «بعد از فوت عباس میرزا (سنه ۱۲۴۹) مطبع طیبوگرافی تبریز موقوف شد و برجس صاحب که در این بین باشاره عباس میرزا مشغول تجارت هم شده بود چندی بعد از فوت فتحعلی شاه (۱۲۵۰) بدار الخلافه طهران آمده دکانی و انباری باز کرده اسباب و اجناس فرنگی و مخصوصاً انگلیسی میفروخت و جهت پیشرفت تجارت خود گاهی میان طهران و تبریز سفر میکرد. از بعضی یادداشتها معلوم میگردد که در اوایل سلطنت ناصر الدین شاه و تقریباً در سال ۱۲۶۶ برجس صاحب را مترجم خطاب میکردند و کمی بعد در اداره روزنامه با اتفاق میرزا ابو الحسن غفاری و غیره مشغول شد. برجس صاحب چند سال دیگر فوت شد. از زن ارمنی که منکوحه او بود یک دختری داشت و این دختر زوجه مسیو بتن (Bottin) شد و گویا در این زمان (۱۳۳۰) در طهران است. مسیو بتن مستخدم دولت ایران است و در قور خانه شغلی دارد» [نقل از مکتوبی که مرحوم شیندلر در سنه ۱۳۳۲ بفارسی بنگارنده نوشته]. در کتاب «منتظم ناصری» در جزو حوادث سال ۱۲۷۰ برجس صاحب را «مباشر روزنامه و مترجم دیوان» مینامد.

در ایران بیش از انتظار فراوان شد^(۱) و روزنامه‌های روزانه که قبل از مشروطیت فقط «خلاصه الحوادث» منتشر در سنه ۱۳۱۶ نمونه کوچکی از آنها بود و فور پیدا کردند. اگر اشکالاتی که هنوز روزنامه‌های ایرانی از بیسوادى عامه و کمى مشتری و کسادى متاع دوجار آن هستند در نظر گرفته شود زحمت و اشکال نشر روزنامه فارسی ملی و غیر رسمی در قرن سیزدهم واضح میشود. حکایت ذیل محض نمونه از این اشکالات بی‌مزه نیست:

روزنامه «سید الأخبار» که روزنامه بزرگ فارسی بود و هفتگی در حیدرآباد دکن (از مالک هند) نشر میشد^(۲) در یکی از شماره‌های خود شکایت زیاد از نرسیدن وجوه اشتراک کرده و شرحی مدح و ثنا از شهر تبریز و رجال آن و معرفت و علم آنها نموده و بلاخره بعد از چیدن مقدمه با آب و تابی از میرزا یوسف خان مستشار الدوله تبریزی تمجید کرده و مینویسد که مشار الیه «مرحمت فرموده» وجه اشتراک معمولی جریده را فرستاده اند!!

از ملاحظه جراید امروزه ایران نیز معلوم میشود مملکت ما در این باب در سی و چند سال اخیر ترقی زیادی نکرده است ولی در دو فقره دیگر فرق زیاد میان جراید این عصر و آن عهد موجود است و آن عبارتست از آزادی جراید که در این زمان ترقی زیادی نسبت بآن زمان در اینباب موجود است و فصاحت زبان فارسی که بدبختانه بالعکس تنزل فاحش در آن روی داده و حالا بکلی زبان ادبی مسخ و ضایع شده. یکی از مزایای زبان فارسی که در کتب فرنگی آنرا مدح میکنند آنست که زبان ما بمروور زمان خیلی نامفهوم و عوض نشده و در صورتیکه زبان عهد شکسپیر شاعر انگلیسی را امروز عامه انگلیسها باسانی نمیفهمند زبان فردوسی بروسائیان ایران نیز امروز بر غیر مفهوم و مشکل نیست. لکن معجون عجیبی را که در قسمتی از جراید ایران اخیراً پیدا شده اگر نویسندگان پنجاه سال قبل بینند همانا «گر تو بینی نشانش باز» بر آن صادق آید گذشته از آنکه اهالی فارسی زبان حالیه ایران هم که آشنا بان زبان مصنوعی نباشند ابداً یک که نمی فهمند. مثلاً در ۲۰ سال پیش اینطور مینوشتند «این عبارت برای بیان اوضاع حالیه و اتفاقاتی که رخ داده و میدهد وافی نیست» و امروز همین مطلب را سیاستون «شهر» طهران اینطور مینویسند «این فراز برای افاده و ضعیف کوران سیاست روز مره که عرض اندام کرده مهیمت نامحدودی را در بر دارد». واقعا زبان فارسی سفرنامه خسرو و سفرنامه اول ناصر الدین شاه بفرنگ قدری کمتر با همدیگر فرق دارند که یک نفر خارجه بزودی تشخیص مدتی را که در میان آنها گذشته نمیدهد ولی مقالات بعضی جراید سالهای اخیر از زبان پهلوئی هم مشکل تر شده. باین مناسبت باید بگوئیم که در روزنامه‌های فارسی جنوب ایران که ظاهراً سرچشمه معلوماتشان مجلات عربی مصر و سوریه است (بر خلاف جراید شمالی که تقلیدشان بادبای باکو و اسلامبول است) نمونه‌های خوبی از فارسی مفهوم اهل لسان دیده میشود و این مایه مسرت است و امید میدهد که نشریات فارسی از وطن سعدی و حافظ حیات جدیدی و فارسی ادبی و ساده رونق نوین گیرد.

قسمت زیادی از مندرجات این مقاله از رساله سابق الذکر میرزا محمد علی خان تربیت و کاغذ هوم شیندلر و تقویم بزرگ جراید عالم با نگلیسی^(۳) اخذ شد.

(۱) بحساب نگارنده سطور و تا آنجا که اطلاع حاصل کرده‌ام از ابتدای ایجاد جراید فارسی تا اواسط سنه ۱۳۴۲ یعنی چند ماه پیش از جنگ اروپا ۴ جریده فارسی یا مخلوط فارسی در دنیا و جراید غیر فارسی در ایران رو بهرفته منتشر شده بودند. (۲) در سنه ۱۳۰۶ شروع با انتشار کرد.

(۳) Newspaper Press Directory

شماره لفظ «مشکوه الحضر» نیز بعنوان آن اضافه شد از ربیع الاول سال ۱۲۸۸ در سفر شاه بماندردان از طرف اعتماد السلطنه در عرض راه و منازل نشر میشد و ۱۳ شماره از آن منتشر گردید. در همین اوقات روزنامه «فارس» در شیراز دایر شد. این روزنامه را میرزا تقی خان کاشانی حکیم باشی ظل السلطان در اوائل ورود شاهزاده مزبور بفارس در زمان حکومت سوم او در آن ایالت بنا کرد و شماره اول آن ۲۵ جمادی الآخره سنه ۱۲۸۹ بود و ابتدا نصف فارسی و نصف بربری نشر میشد و از شماره ۴ باین طرف فقط فارسی شد. روزنامه اختر فارسی در اسلامبول در سنه ۱۲۹۲ تأسیس شد و آقا محمد طاهر تبریزی ناشر آن بود و کمی بعد یعنی در سنه ۱۲۹۳ یک روزنامه فرانسوی در طهران تأسیس شد با اسم «لاپاری» که مدیر آن چنانکه در شماره گذشته ذکر شد بارون نورمان بلژیکی بود که برای همین مقصود و برای یکسال قبل از آن بایران خواسته بودند ولی از این روزنامه فقط یک شماره نشر شد مورخه ۹ محرم ۱۲۹۳ و چون دم از آزادی زد موافق طبع شاه نیتقاد و توقیف شد. «روزنامه نظامی علمیه و ادبیه» نیز در همان سال از طرف میرزا حسین خان سپهسالار تأسیس شد و در «مدرسه مبارکه ایتام‌آزور» نشر میشد و شماره اول آن بتاريخ ۲۹ ذی القعدة ۱۲۹۳ انتشار یافت و ظاهراً تا سنه ۱۲۹۶ دایر بوده و در آن سال روزنامه «مریخ» جانشین او شد. قریب یکماه بعد یعنی در ۲۲ ذی الحجه از سال ۱۲۹۳ «روزنامه علمی» از طرف محمد حسن خان صنیع الدوله (بعدها اعتماد السلطنه) انتشار یافت و تا سنه ۱۲۹۷ دایر بود^(۱). روزنامه «مریخ» که نظامی و علمی بود در سنه ۱۲۹۶ دایر شد و شماره اول آن در پنجم محرم از آن سال منتشر گردید^(۲). روزنامه نیم رسمی «اطلاع» را در سنه ۱۲۹۵ باز محمد حسن خان اعتماد السلطنه تأسیس کرد. روزنامه «فرهنگ» در اواسط سنه ۱۲۹۶^(۳) در اصفهان و روزنامه «تبریز» در ابتدای سنه ۱۲۹۷ در تبریز دایر شد. روزنامه دانش را علیقلی خان مخبر الدوله در سنه ۱۲۹۹ تأسیس و در دارالفنون طبع میکرد^(۴) و نویسنده آن میرزا کاظم معلم شبلی معروف بود. روزنامه «اردوی همایون» که روزنامه سیاری بود در سنه ۱۳۰۰ در طی سفر دوم ناصر الدین شاه بخراسان از طرف اعتماد السلطنه سابق الذکر در منازل عرض راه نشر میشد^(۵). روزنامه مدرس فارسی در بمبئی در ربیع الاول سنه ۱۳۰۰ دایر شد و مدتی دوام کرد. بلاخره اگر روزنامه حکیم الممالک (میرزا علینقی خان پسر آقا اسمعیل جدید الاسلام) را نیز که گویا بامضای وی ولی در واقع بقلم خود ناصر الدین شاه نوشته میشد و از همه جهت سه شماره بیشتر نشر نشد^(۶) ذکر کنیم گویا فهرست مختصر جراید ایرانی و فارسی قرن سیزدهم را تمام کرده باشیم.

این بود شمه‌ای از تاریخ جراید فارسی و ایرانی در قرن گذشته که طلبه نشریات سیاسی و علمی ایران بودند و شاید بنشو و نمای تحم بیداری عامه که منتهی بشروطیت شد کمک کردند. بعد از مشروطیت روزنامه‌ها

(۱) جمعا ۶۴ شماره نشر شد و شماره اخیر بتاريخ ۲۳ جمادی الآخره سنه ۱۲۹۷ بود.

(۲) جمعا ۱۸ شماره نشر شد و شماره اخیر بتاريخ ۱۶ جمادی الآخره سنه ۱۲۹۷ بود.

(۳) شماره اول آن در دوم جمادی الأولى از آنسال انتشار یافت.

(۴) شماره اول آن مورخه ۲۳ رجب از آنسال است.

(۵) جمعا ۱۲ شماره نشر شد که اولی در دماوند بتاريخ ۱۱ شعبان از آن سال و آخری در طهران بتاريخ ۱۲ ذی الحجه نشر شد.

(۶) تاریخ انتشار این جریده درست معلوم نیست ولی با احتمال کلی قبل از سنه ۱۳۰۰ است. حکیم الممالک در سنه ۱۲۷۸ از فرنگ برگشت و تا آخر عمر در خدمت دولت بود.

ثواب عظیم

بسیار خوشوقتم از اینکه بخوانندگان خود اطلاع بدهیم که یاد آوری کاوه در باب فواید صرف وجوه خیریه در راه تعلیم بی نتیجه نمانده. اینک باشعف تمام مطلع شدیم که یکی از تجار ایرانی مقیم وینه یعنی جناب اسمعیل خان خراسانی و معروف بمعنی از تجار جواهر فروش ایرانی مقیم آتریش بر حسب وصیت نامه قانونی که در پیش مأمور ثبت اسناد شهر وینه تصدیق شده خمس دارائی خود را بعد از وفات خود برای تعلیم و تربیت اطفال یتیم و فقیر ایرانی تخصیص نموده که خواه در اروپا و خواه در ایران باین مصرف خیر برسد. بلاشک این عمل تا جرحمترم از اعظم ثواب و افضل اعمال است و قدم اولی است در میان تجار ایران که اگر عمومیت پیدا کند ایران بزودی از ذلت حالیه اش نجات میابد.

توضیح

راجع بکمک مالی خواستن روزنامه کاوه برای اطمینان از پایداری آن که مادر شماره ۷ کاوه از سال گذشته در زیر عنوان «استمداد» شرحی نوشته بودیم لازم است توضیح شود که مقصود از آن توسل بمساعدت اشخاصی از اهل فضل و یا محبت علم و ادب بود که خود بخود بمندرجات کاوه تعلق خاطری داشته و دوام آنرا راغب باشند و منظور آن بود که دفعه ده نفر از این قبیل اشخاص که در گوشه و کنار بمطالب کاوه میل پیدا کرده اند هر کدام مبلغی بدهند تا در بانک گذاشته شده و سرمایه استحکام کار کاوه بشود یعنی در واقع مقصود از آن استمداد درست معنی فرنگی آن بود چنانکه گاهی بعضی ناشرین کتب یا مجلات بآن طبقه از مردم که بهمان فن ورشته شوق و ذوق مخصوص دارند زومیاورند و ابدأ مقصود اعانه خواستن از اعیان و اشراف و وزراء و حکام و سیاستورین و مأمورین دولت نبود که بدون ادنی علاقه خاطر بمقالات راجع بتاریخ و ادبیات از قبیل شرح حال مزدک و آتیلا محض جلب خاطر یک «روزنامه» یا خصوصیت شخصی بمدر آن اظهار «لطف» بکنند. مقصود اصلی کاوه در موقع خود حاصل نشد یعنی دفعه ده نفر پیدا نشد که مبلغ کافی برای سرمایه دائمی روزنامه بدهند ولی بعضی اشخاص علم دوست از تجار ایرانی مقیم خارجه باین مقصود کفکی نمودند و ما با کمال میل آنرا پذیرفتیم. حالا لازمست بگوئیم که بعد از این هیچ مدد مالی پذیرفته نخواهد شد و اشخاصیکه مایل بدوام و استحکام این روزنامه اند ممکن است سعی فرمایند عده مشترکین روزنامه زیاد شود.

تصحیحات

در شماره گذشته (شماره ۵ سال دوم دوره جدید) در صفحه ۱۱ ستون ۲ سطر ۲۵ «نکردند» غلط است و صحیحش «نکرد» است.

باز در شماره گذشته صفحه ۴ ستون اول در صورت نامه امیر تیمور متن آن قدری بی ترتیب چاپ شده یعنی جمله «امیر تیمور کوران زید عمره» بایستی در یک سطر جداگانه بالای نامه طبع شود که در واقع بجای درج در متن پس از کلمه «محب خود» در بالا جای داده شده و در کاوه سهواً باول نامه افتاده و همچنین عبارت «ملکری فرنا» بایستی چنانکه در عکس دیده میشود در سطر اول ولی خارج از ستون سطور نوشته شود. با کمال معذرت این سهورا تصحیح میکنم.

وکالت کاوه در آذربایجان

چون از وکیل سابق کاوه در تبریز یعنی اداره کتابخانه آذربایجان مدتهاست که خبری باداره کاوه نرسیده و در این مدت یکسال و نیم گذشته یعنی از ابتدای انشار دوره جدید که مرتباً روزنامه بعنوان ایشان فرستاده میشد یکدینار از وجوه اشتراک باداره نرسیده لهذا وکالت کاوه را در آذربایجان بحاجی اسمعیل آقا امیر خیزی واگذار نمودیم. هر کس در تبریز و یا سایر ولایات آذربایجان طالب اشتراک کاوه بشود باید وجه اشتراک را قبلاً بحاجی معظمه پرداخته و قبض گرفته آن قبض را باداره کاوه بفرستد. در آنصورت مرتباً روزنامه باسم ایشان توسط پست میرسد.

کسانیکه سابقاً بکتابخانه آذربایجان از بابت وجه اشتراک کاوه پولی پرداخته اند باید پول خود را پس بگیرند و مستقیماً یا توسط آقای امیر خیزی بما برسانند و مرقوم بدارند که کدام شمارهها از سال گذشته یا امسال بایشان رسیده و کدام نرسیده تا شمارههای ناقص را (غیر از شماره ۸ و ۱۱ سال گذشته که در اداره تمام شده) بایشان برسانیم. غیر از آقای امیر خیزی مشترکین تبریز میتوانند توسط تجارتخانه آقای حاجی محمد آقا صراف زاده نیز پول را باداره کاوه برسانند.

مثنی

چون شمارههای ۱ و ۸ و ۱۱ از سال اول دوره جدید کاوه در اداره بکلی تمام شده هر کس از شمارههای مذکور زیادی داشته باشد و مرحمت نموده باداره کاوه بفرستد علاوه بر آنکه اسباب امتنان میگردد اداره کاوه حاضر است در عوض از شمارههای دیگر کاوه که ممکن است فرستندگان کسر داشته باشند یا قیمت آنها را بفرستد.

اعلان

چاپخانه کاویانی

واقعه در برلن که از تأسیسات یک شرکت ایرانی است حاضر طبع کتب و اوراق از هر نوع و هر قبیل بوده و هرگونه نقشها و تصاویر با صنایع گوناگون در کمال نفاست و کاملاً مثل چاپخانههای بزرگ فرنگی طبع میکند. انواع حروفات قشنگ عربی و فارسی و فرنگی را دارد. سفارشها از ایران و سایر ممالک قبول میکند و در اندک زمانی بسرعت انجام داده و تحویل میدهد. این چاپخانه ایرانی که در مرکز فرنگستان برای خدمت تسهیل نشر علم و معرفت در ایران بنا شده و صورت تابناک آهورا مترادار با بالهای طلایی درخشان علامت اداری خود قرار داده حاضر قبول خدمات ناشرین کتب در مشرق زمین است.

آدرس چاپخانه چنین است: Buch- und Kunstdruckerei «Kaviani», Berlin-Charlottenburg, Leibnizstr. 43

تجارخانه پرسپولیس

مفازة و تجارخانه «پرسپولیس» حاضر است و اسطه همه نوع معاملات تجارتي میان آلمان و ایران و هندوستان و عثمانی شده و با نهایت انتظام و سرعت و رعایت صرفه آقایان تجار و اصناف ایرانی هر نوع مال التجاره که خواسته شود (از قبیل مال خرازی و منسوجات و انواع رنگها و هر نوع ماشینهای مختلف و مطبوعه و اسباب عکاسی و دواجات و غیره) از بهترین و معتبرترین کارخانهای آلمان خرید و ارسال دارد.

مدیر: رضا تربیت

آدرس ما از این قرار است:

Tarbiat-Persépolis, Berlin-Charlottenburg, Goethestrasse 1.
 آدرس تلگرافی: Berlin, Tarbiathut

مخصوص تجار ایرانی

نظر بمناسبات تجارتي و تجربیات سالهای دراز ما در ایران که بواسطه جنگ بین الملی قطع شده دوباره مصمم برآن شده ایم که روابط تجارتي خودمانرا

مستقیماً بدون شخص ثالث

با آقایان تجار ایرانی از شروع کرده و مثل سابق داخل تجارت بشوم. و برای توضیح مطلب خاطر آقایان را مسبوق میدارم که گذشته از آنکه ما دارای بهترین مناسبات برای خرید و فروش اجناس صادره ایران هستیم دارای بهترین روابط با کارخانهای رنگسازی در باون و نمایندة عالیترین کارخانه دواسازی دنیا ریدل در برلین و عامل بزرگترین کارخانهای اتوموبیل سازی و ماشینهای مختلفه نیز میباشیم. از هر قبیل اجناس و ملزومات مختلفه نمونه فرستاده میشود و آقایان ایرانی در مکاتبه با ما میتوانند بزبان فارسی بنویسند.

Robert Wonckhaus & Co.
 Hamburg 1, Glockengiesserwall

دوره چهار ساله کاوه

دوره قدیم کاوه که مجموعه چهار ساله آن در ۲۰ شماره بوده و پر از مقالات علمی و ادبی و سیاسی است در اداره کاوه موجود است و به قیمت یک لیره انگلیسی فروخته میشود. فقط برای مشترکین کاوه (چنانکه در شماره ۸ از سال گذشته شرح داده شده) بعنوان هدیه و تنها در مقابل قیمت بسته کردن و اجرت پست و سایر مخارج جزئی راجع بارسال بسته که روی هم برای مجلد آن ۱۲ شیلینگ و برای غیر مجلد آن هفت شیلینگ در ایران و خارجه باشد داده میشود. هر کس طالب باشد میتواند این قیمت جزئی را بوکلاهی اداره پرداخته و قبض امضا شده را گرفته برای ما بفرستد که فوراً ارسال میشود. از دوره قدیم چنانکه گفتم هنوز مقداری موجود است ولی معلوم است که با اولین تقاضا کنندگان ارسال میشود و اگر یکی از شمارهها تمام شد دیگر بتقاضا کنندگان تازه نمیشود فرستاد. فهرست بعضی از مقالات مهمه دوره قدیم کاوه بقرار ذیل است:

شماره ۱	مقاله علمی و تاریخی راجع به «کاوه و درفش کوریانی»
۶-۵	» » » «نوروز جشدی» بقلم استاد کایگر
۸-۷ و ۶-۵	مقاله متسلسله «نظری بتاریخ و درس عبرت - داستان کرچستان»
۹	» » » «فلاند ...»
۱۴ و ۱۳	» » » «هندوستان»
۱۷ و ۱۶ و ۱۵	» » » «قفقاز ...»
۱۹-۱۸	تاریخ مختصر واقعات سال ۱۳۳۵ در اروپا و در ایران در تحت عنوان «سال دوم کاوه»
۲۰	مقاله راجع به «میرزا صادق خان ادیب الممالک»
۲۱	» » «افغانستان»
۲۱	» » «خشکیار ایران و روسیه»
۲۲	» » «اجتماع استوکهولم» و «داد خواهی ملت ایران»
۲۳	» » «تعدیات نظامیان روس در ایران»
۲۳	» » «رضای عباسی نقاش ایرانی» (مصور)
۲۷ و ۲۶ و ۲۵	» » «دوره جدید مشروطیت در ایران»
۲۵	» » «انگلیسها و جنوب ایران»
۲۷ و ۲۶ و ۲۵	» » «بهترین تألیفات فرنگیها در باره ایران»
۲۷ و ۲۶ و ۲۵	» » «معدن نفت بختیاری»
۲۸	» » «روس و ایران»
۳۲-۳۱	» » «استهلال در قروض ایران»
۳۳	» » «حکم از روی تجربه»
۳۴	» » «فتح و ظفر اجتهادین عامیون» سوسیالیسم در آلمان
۳۵	» » «قدیمترین شعر فارسی بعد از اسلام»

دوره سالانه سال گذشته کاوه (سال اول دوره جدید) نیز در اداره موجود است و قیمت آن یک لیره انگلیسی است.

سلسله انتشارات «کاوه»

آلمان ایران و سایر ممالک
 لیره انگلیسی

۸۰	(۱) گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران کتابی است جامع فواید سیاسی و اقتصادی مشتمل بر اغلب اطلاعات اقتصادی و امتیازات خارجهها در ایران و احصایههای مالیاتی و جدولهای صادرات و واردات و دارای ۴۶ جدول کامل و ۶ نقشه و فهرست اسامی بترتیب تهجی
۵۰	(۲) کشف تللیس از روی اسناد محرمه انگلیسی در باب ایران کتابی است خیلی مفید دارای عکس عین اسناد محرمه که برای سیاستون ایران مطالعه اش لازم است
۱۵	(۳) جنایت روس و انگلیس نسبت بایران تألیف علامه مشهور آفاق استاد راندس دانمارکی که بسیار دلنشین است مشتمل بر عکس مؤلف و دیباچه مختصری که خود مؤلف برای ترجمه فارسی کتاب نوشته بعنوان «خطاب بایرانیان»
۳	(۴) مختصر تاریخ مجلس ملی ایران رساله ایست مشتمل بر تاریخ مجلس در ایران و گذارش سه دوره آن مشتمل بر جدول اسامی وکلای هر سه دوره مجلس و هیئت وزرا از اول مشروطیت تا زمان تألیف کتاب

کتابهای فوق در اداره کاوه بفروش میرسد و بطالین که قیمت را قبلاً بطور مستقیم و یا بتوسط وکلای کاوه بفروشند توسط پست ارسال میشود. کسانی که خرید کلی کنند و کتابفروشها تخفیف داده میشود